

## بحران سیاسی و تند پیچ بزرگ تاریخی

محمد حسین مهرزاد

اوضاع سیاسی و اقتصادی در ایران به سرعت در حال تغییر است. هر چند بحران اقتصادی سال ها است که مردم را در تنگنا قرار داده است اما از دیماه سال ۱۳۹۶ خورشیدی بحران اقتصادی نه تنها بحران سیاسی در پی داشت بلکه خود بحران اقتصادی ابعاد به مراتب وسیعتری به خود گرفت و هر روز وضعیت اقتصادی بدتر می شود. کاهش شدید ارزش پول ایران در مقابل بقیه در صفحه ۳

قطعه نامه شورای مرکزی اتحاد سوسیالیستی کارگری درباره

## نان کار آزادی حکومت کارگری

با خیزش دیماه ۹۶ علیه کلیت نظام سرمایه داری اسلامی بحث تعویض نظام حاکم بر ایران و آلترناتیوهای مختلف به مسئله روز تبدیل شده است. طبقه کارگر نیز بعنوان یکی از مدعیان کسب قدرت لازم است تا آلترناتیو حکومتی خود و مشخصات آنرا بطور فشرده بیان کند. هدف نهایی جناح سوسیالیست جنبش کارگری که باید کل طبقه کارگر را حول آن متحد و متشکل کند، نابودی نظام استثمارگر سرمایه داری و برقراری بقیه در صفحه ۱۲

### تیترها

اطلاعیه پایانی کنفرانس چهاردهم اتحاد سوسیالیستی کارگری صفحه ۲۵

زنان آمریکا و حداقل دستمزد صفحه ۱۸

حجاب بر دار! صفحه ۱۳

نو اندیشان دینی و نگرانی برای اسلام صفحه ۱۲



## با مذاکره یا بدون مذاکره. در هر دو صورت رژیم اسلامی بازنده است

خامنه ای: مذاکره با آمریکا ممنوع است روحانی: آمریکا "پل" مذاکره را بازسازی کند

رضا مقدم

خامنه ای مذاکره با آمریکا را ممنوع کرد و برجام را اشتباه خواند اما حسن روحانی از آمریکا خواست تا "پل" های مذاکره را بازسازی کند. جمهوری اسلامی چه با مذاکره با آمریکا و چه بدون مذاکره، بازنده است. بقیه در صفحه ۲

## خط مشی سوسیالیسم کارگری

### پس از خیزش دیماه ۹۶

خیزش توده ای دیماه ۹۶ به دو دهه سیطره گفتمان اصلاح طلبی بر فضای سیاسی ایران پایان داد و چهل سال بعد از انقلاب بهمن، مجدداً افق انقلاب را در ایران نمایان ساخت. از زاویه منفعت کارگران و مردم آزادیخواه ایران سئوال اساسی بر سر ماهیت نظام جایگزین با نظام سرمایه داری رژیم اسلامی است.

مطابق تجربه انقلاب ۵۷ تنها دو راه در مقابل کارگران و مردم ایران قرار دارد:

بقیه در صفحه ۸

بقیه "با مذاکره یا بدون ... " از ص ۱

تسلیم خامنه ای (نرمش قهرمانانه) به کشورهای "پنج به اضافه یک" از سر اجبار بود و نه انتخاب. تحریم نفتی و محرومیت از شبکه بانکی (سوئیفت) برای نقل و انتقال پول آخرین ضربه را به منبع اصلی درآمد رژیم اسلامی زد و خامنه ای برای حفظ نظام ناچار شد تا تسلیم شود و از جمله سانتریفیوژها را انبار و تونل‌های نیروگاه آب سنگین اراک را با بتون پر کند. زیان مستقیم و غیر مستقیم حماقت حاکمان در راه اندازی پروژه اتمی هنوز غیر قابل محاسبه است. (۱)

قبلا فرصت سوزیهای رژیم اسلامی زیانهای هنگفت اقتصادی در بر داشت اما اکنون با اقتصاد در حال فروپاشی ایران و حرکت مردم برای پایان دادن به عمر رژیم اسلامی از دیماه ۹۶، هر فرصت سوزی عمر کلیت نظام را کاهش می دهد. پیروزی مردم بدون اشتباهات حاکمان میسر نیست و رژیم اسلامی می رود تا مانند اواخر حکومت شاه در مسیری قرار گیرد که فقط می تواند اشتباه کند.

موافقت و مخالفت با مذاکره با آمریکا هر دو نتایج زیان باری برای کل حاکمیت خواهد داشت. خامنه ای در مذاکره با آمریکا هیچ بردی ندارد و فقط می تواند تسلیم شود؛ بند و بساطش را از منطقه جمع کند، پس از پروژه اتمی، پروژه موشکی را هم با هزینه های دهها میلیارد دلاری تعطیل کند و قدرتش

را به مرزهای ایران محدود سازد. و همه می دانند که این پایان ماجرا نیست و فشار برای تسلیم بیشتر ادامه خواهد یافت. به همین دلیل خامنه ای با قبول یک ریسک بزرگ به انتخابات نوامبر و شکست جمهورخواهان در انتخابات هر دو مجلس امید بسته است. وی می پندارد که با پیروزی بزرگ دمکراتها در انتخابات نوامبر، ترامپ استیضاح و برکنار شود و معاونش جانشین وی گردد و یا حداقل دمکراتها ترامپ را مهار کنند و در دور دوم نیز انتخاب نشود و یک دمکرات احتمالا وفادار به برجام به کاخ سفید برود. این اوج استیصال کل حاکمیت رژیم اسلامی است که سرنوشت خود را به روندی سپرده که کنترل و تاثیری بر آن ندارد.

دور اول تحریمها اقتصاد ایران را هدف گرفته اما دور دوم که از آبانماه آغاز میشود هدف عمده اش تحریم صادرات نفت است که اقتصاد رژیم اسلامی را هدف گرفته تا حتی پرداخت حقوق کارکنان دولت و بسیجی ها و عوامل سرکوبش هم دشوار گردد. از نظر حتی اقتصاد دانان خود رژیم، اقتصاد ایران در آستانه فروپاشی است و هر آن ممکن است از هم بپاشد. مبارزه مردم برای پایان دادن به عمر رژیم اسلامی که از دیماه ۹۶ کلید خورده زمان زیادی برای رژیم اسلامی باقی نگذاشته است. اگر نتایج انتخابات نوامبر دو مجلس آمریکا مطابق پیش بینی رژیم اسلامی نباشد هنوز به مخالفت خود با مذاکره و تسلیم ادامه می دهد؟

رژیم اسلامی برای حفظ حاکمیت ننگینش هر اقدام پنهان و آشکاری خواهد کرد.

زیر نویس:

۱ - حسین موسویان، سفیر وقت رژیم اسلامی در آلمان در زمان کشتار میکونوس در گفتگو با نفت خبر:

از یک طرف هزینه ها واقعا غیر قابل محاسبه بود چون ایران مجبور بود از طرق غیررسمی و از بازار سیاه نیازهای تکنولوژی هسته ای خود را تامین کند. از طرف دیگر هم تخصص و تجربه کافی وجود نداشت. ... در آن مقطع ایران به داوری بین المللی در یک کشور اروپایی هم علیه زیمنس آلمان شکایتی تسلیم کرده بود. تا اینکه در یکی از سفرهای آقای ولایتی به آلمان و در دیداری که با آقای کهل صدر اعظم آلمان داشتیم، کهل به ایشان گفت که ما قادر به تکمیل نیروگاه هسته ای بوشهر نیستیم منتهی برای حل و فصل دوستانه این اختلاف حاضریم یک نیروگاه سیکل ترکیبی بخاری گازی ۱۰۰۰ مگاواتی بعنوان جایگزین به ایران بدهیم. ارزش این نیروگاه در آن زمان حدود ۲ میلیارد مارک بود. آقای ولایتی پیشنهاد را در تهران مطرح کرد و موافقت نشد. من به تهران آمدم و خدمت مرحوم آقای هاشمی رئیس جمهور وقت رسیدم و گفتم آمریکاییها نخواهند گذاشت که نیروگاه بوشهر را تکمیل کنند لذا بهتر است به آلمانها

بقیه "بحران سیاسی و ... " از ص ۱

ارزهای خارجی و به عبارتی دیگر سقوط ارزش ریال چنان شتابی گرفت که گاه در یک روز باعث چند بار تغییر قیمت ها بودیم. قدرت خرید نه تنها طبقه کارگر و زحمتکشان چند مرتبه کاهش یافت و توده های وسیع مردم در فقر بیشتر غرق شدند بلکه بسیاری از لایه های میانه ی جامعه نیز زیر پایشان خالی شد و در زمان کوتاهی موقعیت اقتصادی و اجتماعی آنها دستخوش تغییر گردید.

در دی ماه ۹۶ مبارزات سراسری توده ها دست آوردهای بزرگی به همراه داشت که به جرئت می توان گفت نقاط عطفی در تاریخ مبارزه طبقاتی بودند. گذر از مذهب و اصلاح طلبان دو مولفه ی اصلی این مبارزات بود. هر چند مذهب در مبارزه طبقه کارگر و توده های زحمتکش تعیین کننده نبود اما سال های مدیدی جنبش های مردم به مذهب آغشته بود و مذهب همچون زنجیری به پای کارگران و توده ها بسته شده بود.

جنبش دی ماه که محصول پروسه ای طولانی از مبارزه طبقاتی در عرصه های مختلف بود مذهب را کنار زد و این زنجیر را پاره کرد. شاید بتوان گفت که این گسست صد در صد نیست و اینجا و آنجا باز می تواند خود را نشان دهد اما یقینا مذهب در عرصه ی مبارزات کارگران و توده ها به حاشیه رفته و نمی تواند جایگاه گذشته را باز یابد. این مولفه محصول مبارزه دراز مدت کارگران و سوسیالیست ها با جمهوری اسلامی است. ده ها و یا شاید صدها میلیارد هزینه ی جمهوری اسلامی برای تبلیغ و ترویج اسلام بر باد رفته و اجین بودن اسلام و جمهوری اسلامی بر توده ها آشکار گردیده است.

از یک سو در شرایط فقدان بلوک سیاسی قدرتمند در اپوزیسیون و از سوی دیگر راه حل اصلاح طلبی مبنی اتکا به صندوق رای یک دوره بخش زیادی از توده ها را متوهم ساخت تا آنجا که حتی جنبش ۸۸ تحت تاثیر وسیع آنها بود. مبارزه سیاسی پیگیر با آنها و فراز نشیب های مبارزه طبقاتی و در نهایت

شکست راه حل اصلاح طلبان بر توده ها آشکار ساخت که راه حل درون سیستمی برای مردم وجود ندارد. توده های به جان آمده در دی ماه ۹۶ بزرگترین ضربه را به اصلاح طلبان وارد کردند. اصلاح طلبان سعی کردند وانمود کنند که شعار علیه آنها (اصلاح طلب اصول گرا دیگه تمومه ماجرا) فقط توسط برخی دانشجویان و عده ای معدود از تظاهر کنندگان داده شد، اما در مرداد ماه این شعار وسیعتر از طرف تظاهر کنندگان داده شد و نفرت نسبت به رژیم تمام جناح ها را در بر گرفت.

با وجود اینکه این دو مولفه در مبارزات سیاسی نقطه عطف مهمی است اما ماجرا به همین جا ختم نمی شود. بحران اقتصادی و سیاسی در حال گسترش است. با وجود تمام تدابیر جمهوری اسلامی برای تثبیت قیمت ارز و جلوگیری از سقوط ارزش ریال، این روند طی چند ماه بیش از صد درصد ارزش ریال را کاهش داد. بحران چند لایه اقتصادی از همه طرف جمهوری اسلامی را به چالش کشیده است  
بقیه در صفحه ۴

بقیه "با مذاکره یا بدون ... " از ص ۲

بگویم بجای یک نیروگاه ۱۰۰۰ مگاواتی، دو نیروگاه با ظرفیت ۲۰۰۰ مگاوات بعنوان جایگزین بدهند و مصالحه کنیم. مرحوم آقای هاشمی یک نامه ای را نشان من داد که از مراجع رسمی به ایشان گزارش داده بودند که ایران در دعوای داوری علیه زمینس آلمان

۱۶ میلیارد مارک برنده خواهد شد. بعد به من فرمود من اعتمادی به این گزارش ندارم اما اگر ما حتی ۲۰۰۰ مگاوات بگیریم حدود ۴ میلیارد مارک خواهد بود لکن بعد شما را متهم به زد و بند با آلمانها خواهند کرد، برایتان پرونده سازی خواهند کرد و اذیتتان خواهند کرد و نهایتا هم توافق با طرف آلمانی را بهم خواهند زد. لذا بهتر است شما

هم پیگیری نکنید و منتظر دعوی در داوری بین المللی باشیم. خوب چند سال طول کشید و داوری بین المللی در اروپا به نفع آلمان ها رای داد و ایران یک دلار هم نتوانست خسارت بگیرد و صدای کسی هم درنیامد.

۲۷ مرداد ۱۳۹۷ - ۱۸ اوت ۲۰۱۸

بقیه «بحران سیاسی و ...» از ص ۳

و ادامه ی زندگی برای توده ها بدین شکل ممکن نیست. اختلافات با آمریکا جمهوری اسلامی را در بن بست قرار داده و می رود تا به مراحل اوج خود برسد. اقتصاد ایران بیش از پیش شکننده شده و در نتیجه سیاست ترامپ می تواند گلوی جمهوری اسلامی را بفشارد. توده ها از دو سو تحت فشار شدید اقتصادی هستند بحران های چند لایه ای که جمهوری اسلامی ایجاد کرده و تحریم های اقتصادی آمریکا زندگی کارگران و مردم را به تباهی کشانده است. با گذشت زمان گزینه های جمهوری اسلامی برای مقاومت کمتر و کمتر می شود. هر چند جناح های مختلف حکومتی در مقابل اعتراضات مردم برای سرکوب یک دست شده اند اما با گسترش بحران سیاست های متناقضی در مقابل تحریم ها نشان می دهند. خامنه ای بالاخره اعلام موضع کرد و هر گونه مذاکره با آمریکا را ممنوع خواند. اما این سیاست جدای از اینکه اختلافات درونی را تشدید می کند تا کجا می تواند پایدار بماند؟ تا پاییز خریداران عمده نفت از ایران تحت فشار آمریکا خرید نفت را قطع می کنند و یا کاهش می دهند و در چنان شرایطی انقباض بیشتر اقتصاد ایران ممکن نیست. گزینه های جمهوری اسلامی برای رهایی از چنگال تحریم ها بسیار محدود و ضعیف هستند. فروش نفت به شکل قاچاق مثلا به روسیه و عراق و یا تخفیف در قیمت نمی توانند در سطح کلان اقتصاد ایران را نجات دهند. هشتاد در صد درآمد

اقتصاد ایران از طریق فروش نفت تامین می شود. در چنین شرایطی بحران اقتصادی می تواند چنان ابعاد گسترده ای پیدا کند که چرخ اقتصاد از حرکت بایستد. مسولین خودرو سازی در ایران اعلام کردند: خودرو سازی که بخش قابل توجهی از اقتصاد ایران را تشکیل می دهد هشتاد درصد نیروی کار آن (چهارصد و پنجاه هزار نفر) بیکار خواهند شد. بخش های دیگر اقتصاد وضعیت بهتری ندارند. سیاست مقاومتی خامنه ی هر چند برای امتیاز گرفتن در زمان تسلیم است، اما جمهوری اسلامی زمان بیشتری را از دست می دهد و بحران اقتصادی هر لحظه می تواند به یک بحران سیاسی وسیع و غیر قابل مهار تبدیل گردد. طولانی شدن دوران بحران حاد اقتصادی جمهوری اسلامی را به لبه ی پرتگاه می کشاند.

در متن بحران اقتصادی و سیاسی، اوضاع جامعه به سرعت تغییر می کند و فاکتورهای جدیدی در میدان مبارزه طبقاتی تعیین کننده می شوند. نیروهای سیاسی قدرتمند می توانند افول کنند و بل عکس نیروهای جدیدی سربرآورند. همه می دانند که بحران را سر باز ایستادن نیست و بحران هان سیاسی گسترده تری در پیش است و لذا برای چنین وضعیتی سناریوهایی آماده کرده اند. جمهوری اسلامی تلاش دارد تا با دور زدن تحریم ها و در نهایت در جریان سازش با گرفتن امتیازاتی

ادامه حیات بدهد. اما سازش برای جمهوری اسلامی عواقبی به مراتب سنگینتر از ماجرای اتمی دارد و صرف نظر کردن از قدرت منطقه ای به معنای تضعیف شدید جمهوری اسلامی است و شیشه ی عمرش شکننده تر می شود. آمریکا در ادامه ی سیاست بازیافت اقتدار جهانی و احیای مجدد منافع از دست رفته در خاور میانه نیز تلاش دارد تا جمهوری اسلامی را به زانو در بیاورد و قدرت منطقه ای آن را نابود کند. خروج از سوریه، دست شستن از حمایت مالی و تسلیحاتی از حزب الله لبنان، رها کردن حوثی ها و خلع سلاح موشکی- موشک های دوربرد- از جمله اهداف آمریکا است. آمریکا با تحریم های شدید اقتصادی تلاش دارد این استراتژی را متحقق کند اما همانطور که مقامات آمریکا بارها گفته اند هدف سرنگونی جمهوری اسلامی نیست چرا که اتاق فکر آنها تشخیص می دهد با افتادن جمهوری اسلامی جریانات کارگری و سوسیالیست و دیگر نهادهای اجتماعی به سرعت قدرت می گیرند و این وضعیت برای آمریکا و عموماً کاپیتالیسم خطرناک است. البته آمریکا می داند که با گسترش بحران امکان خارج شدن کنترل آن وجود دارد و بحران اقتصادی بالقوه می تواند به یک بحران سیاسی انقلابی تبدیل شود. واضح است که آمریکا در چنین شرایطی گزینه ی سکولار- لیبرال ها را برای چنج رژیم در دستور کار دارند. سکولارها نیز که در این دوره جان تازه ای به

بقیه «بحران سیاسی و ...» از ص ۴

واسطه ی افول اصلاح طلبان حکومتی گرفته اند و بخشی از بدنه و حتی رهبران آنها سر ریز در طیف سکولارها شده اند حریف اصلی طبقه کارگر برای کسب قدرت در این دوره از مبارزه طبقاتی در جامعه ی ما هستند. سکولارها طیف های مختلفی را در بر می گیرند و حتی سلطنت طلبان و جریانات به اصطلاح چپ مثل حزب توده و اکثریت- حزب چپ- و حزب کمونیست کارگری خود را در جریان سکولار حل کرده اند تا شانس و سهم قدرت گیری پس از جمهوری اسلامی را داشته باشند. اما ویژگی ها و تناقضات هر یک از جریانات درون طیف سکولار آنها را به یک جبهه ی نا متحد تبدیل کرده و امکان همکاری و اتحاد استراتژیک برای آنها کم است. کاراکترهای جمهوری خواهان، سلطنت طلب، چپ، ملی و ... آنها را در موقعیت هایی قرار داده که هر چند با هم همکاری کرده و می کنند اما امکان یک اتحاد کاملاً پایدار و قوی برای آنها وجود ندارد. هر چند امثال کمونیست های کارگری اینجا و آنجا با سلطنت طلبان همکاری کرده اند و یا جمهوری خواهان تلاش داشته اند گروه های کوچک را پیرامون یک سیاست گرد آورند اما سیاست آنها دارای چنان تفاوت هایی است که در این دوره امکان یک کاسه شدن را به آنها نمی دهد. این امتیازی برای طبقه کارگر در این دوره است.

طبقه کارگر در این پیکار طبقاتی و در این تند پیچ تاریخی که دو حریف

اصلی دارد یعنی جمهوری اسلامی و سکولارها، برای فائق آمدن بر آنها وظایف خطیری بر دوش دارد. ایجاد حزب طبقه کارگر، ایجاد تشکل های توده ای، اتخاذ تاکتیک های مناسب در مقابل سرکوب رژیم و قدرت گرفتن و کسب هژمونی در جنبش های دمکراتیک و مبارزه سیستماتیک با جریان سکولار لیبرال. واضح است که اینها هر یک مانع بزرگی در راه طبقه کارگر رو به جلو ایجاد کرده اند. اما کارگران نقاط قوت و به عبارتی دیگر زیر ساخت هایی برای تحقق هر یک از موارد ذکر شده در اختیار دارند که محصول سال ها مبارزه ی طبقاتی است. جناح چپ جنبش کارگری دست بالا دارد و از حداقل تشکل های توده ای و قابل اعتمادی برخوردار است. سوسیالیست های کارگری با کوله باری از تجربه در مسیر مبارزه سیاسی روشن گردند و می توانند برای ایجاد حزب کارگری آستین بالا بزنند. هر چند دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی مقتدر است و تا پایان کارش به کشتار و سرکوب ادامه می دهد اما جمهوری اسلامی به عنوان یک کلیت هر روز بیشتر رو به افول می رود. بحران وسیع اقتصادی را نمی تواند مهار کند و زمینه های عینی برای مبارزه کارگران و توده ها بیشتر و بیشتر فراهم است. سال ها مبارزه این امکان را به سوسیالیست ها داده تا با وجود امکانات کم در مقابل رسانه هایی مثل صدای آمریکا، بی بی سی و من و تو و ... صدای کارگران و مردم باشند. در پروسه ی بحران صدای انقلابیون و

سوسیالیست ها رساتر می شود و به گوش عده ی بیشتری خواهد رسید. موقعیت و شرایط ایران همانند انقلاب ۵۷ نیست. با طولانی شدن دوران بحرانی پرولتاریا می تواند موانع پیش رو را کنار بزند و شانس پیروزی برایش بیشتر خواهد شد. حتی اگر با افتادن جمهوری اسلامی پرولتاریا نتواند بلافاصله قدرت بگیرد اما چنان به سرعت قدرتمند می شود و از شرایط می تواند استفاده کند که جامعه را دو قطبی کرده و بر سر دوراهی سرنوشت قرار می دهد. کافی است تصور کنیم که جمهوری اسلامی افتاده و هر جریان سکولار و کاپیتالیستی بر سر کار بیاید تا تثبیت خود راه درازی در پیش دارد. تشکل های توده ای و شورایی چنان افزایش میابند و قدرتمند می شوند که بلوک سیاسی کارگران را به قطب قدرتمندی تبدیل می کنند. اگر کارگران اکنون رهبران عملی و علنی محدودی دارند آنگاه دهها و صدها رهبر عملی و چهره ی جدید به میدان مبارزه خواهند داشت. بنا بر این ما از هم اکنون باید به اقدامات مشخصی دست بزنیم تا در اوج بحران و فضای ایجاد شده هر چه قدرتمندتر ظاهر شویم. تلاش برای ایجاد حزب کارگران به آینده ای دور تعلق ندارد و موضوع کنونی ما کارگران سوسیالیست باید باشد. از هر امکان و تلاشی باید استفاده کنیم. طبیعتاً سنگ بنای این مهم توسط کارگران سوسیالیست در داخل کشور گذاشته خواهد شد و ما نیز به نوبه ی خود با تمام وجود



بقیه "بحران سیاسی و ... " از ص ۵

باید به آنها کمک کنیم. مبارزه سیستماتیک با تمام لایه های سکولاریسم باید انجام شود. آنها خطرناکترین جریان سیاسی برای طبقه کارگر در رقابت برای کسب قدرت هستند.

سرنگونی جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی رژیمی است ایدئولوژیک که هر چند ارتجاعی است اما از بطن انقلاب بیرون آمده که در پروسه تکوین و تثبیت خود نهادها و ارتش بزرگی از مزدوران ایجاد کرده که شاید در مقایسه با برخی حکومت های کاپیتالیستی بزرگتر و پرتعدادتر است. سپاه پاسداران، بسیج، نیروی انتظامی، اطلاعات و گروه های لباس شخصی این طیف از مزدوران را تشکیل می دهند که پتانسیل آن را دارند تا آخرین روزهای سرنگونی رژیم همچنان به مقابله با کارگران و مردم بپردازند. همیشه بخشی از دستگاه سرکوب حکومت ها تا آخرین ساعات "وفادار" می مانند. اما این موضوع فقط می تواند تا حد محدودی بر توازن قوا تاثیر بگذارد. دستگاه سرکوب به تنهایی قادر نیست توازن قوا را برای همیشه به نفع رژیم پایدار نگهدارد. مولفه های دیگری تعیین کننده هستند و می دانیم که اگر مردم نخواهند و نتوانند مثل سابق زندگی کنند و حاکمان نیز مثل گذشته نتوانند حکومت کنند توازن قوا تغییر خواهد کرد و هیچ نیروی سرکوبی تا به آخر تاب پایداری در مقابل مردم را ندارد.

اکنون تا حدود زیادی شرایط به آن سمت می رود اما نمی توان گفت اکنون چنین شرایطی است چرا که حضور کارگران در میدان مبارزه سیاسی به شکل اعتصاب های وسیع و سراسری الزامی است تا بتواند توازن قوا را تغییر دهد. موج بحران سیاسی که به شکل تظاهرات های خیابانی هر چند گاه جامعه را فرا می گیرد بسیار با اهمیت و تاثیر گذار است و فضای جامعه را سیاسی و قدرت حرکت جمعی را بیشتر می کند، اما صرفا با تظاهرات خیابانی سرنگونی رژیم متحقق نخواهد شد. واضح است که سیاست های کاپیتالیستی رژیم چنج که بر کودتا، انتخابات پارلمانی، حمله نظامی و ... استوارند ربطی به انقلاب ندارند و در ایران کاربرد عملی در این مقطع ندارند. ستون اصلی انقلاب بر دوش کارگران استوار است و به شکل اعتصابات سراسری و گسترده خود را نشان خواهد داد. تلفیق اعتصابات با تظاهرات خیابانی توده ها در نهایت می تواند همانند انقلاب بهمن سرنگونی رژیم را رقم بزند. در شرایطی که چرخ های اقتصاد از حرکت باز ایستد و کارگران چون تن واحدی کارخانه ها را به سنگر مبارزه تمام عیار تبدیل کنند تظاهرات خیابانی و به همراه اعتصابات می تواند قیام را رقم بزند و پادگانها و دیگر مراکز مزدوران رژیم را فتح کند. هر چند مولفه های دیگری همانند بلوک سیاسی قدرتمند و مورد اعتماد و سازمانده بر مبارزات مردم و حس اعتمادشان به لحاظ روانشناسی اجتماعی

بسیار موثر است اما همه ی انقلاب ها به یک شکل و یکسان رقم نمی خورند. این خلاء سیاسی دوره ی بحران را طولانی تر می کند اما فرصت بیشتری برای ما سوسیالیست ها و کارگران است تا خود را سازماندهی کرده و آماده بشویم. اکنون جمهوری اسلامی بسیار بی اعتبار شده و تنها بر سرنیزه تکیه دارد. تحریم ها رو به شدت گرفتن هستند. هر چند تحریم های اقتصادی به تنهایی رژیم ها را سرنگون نکرده اما ایران همانند عراق، لیبی و حتی ونزوئلا نیست. مولفه های بسیار دیگری دخیل هستند که آنها را برشمردیم. بحران چند لایه ی اقتصادی در تمام زمینه ها رو به گسترش است و در متن اوضاع سیاسی ایران که پیشروی های قابل توجهی کرده است امکان سرنگونی رژیم بیشتر و بیشتر می شود. در ایران تاریخ مبارزات کارگری و توده ای به همراه تجربه ی دو انقلاب در گذشته و جنبش های وسیع توده ای شرایط را برای تغییرات بنیادین بیشتر فراهم کرده است. هر چند در دوران طولانی استبداد و سرکوب به ظاهر جامعه دچار فراموشی تاریخی می شود اما در دوران انقلابی گذشته چراغ راه آینده می شود و به ظاهر هر آنچه به فراموشی سپرده شده گام به گام دوباره به کار گرفته می شود. در ایران تجربه ی شوراها در شرایطی که پشتوانه ی غنی سیاسی نداشت وجود دارد. حتی احزاب و گروه های چپ نیز غرق در مبارزات پوپولیستی یا سرمست از



است. باید نشان داد که سلطنت طلبان کراواتی همان ساواکی ها و تیمسارهایی هستند که جنایات زیادی کردند و در

تمام جهان افزایش یافته و این چیزی نیست جز برادر کوچک بحران بزرگ ساختاری. ما سوسیالیست ها باید قادر باشیم به زبان و ساده و هر طریق ممکن بارها و بارها این موضوع را به اثبات برسانیم و نشان دهیم که حتی لیبرال ها کلمه ی آزادی را نیز ملوس خواهند کرد و قادر به تحقق آن نخواهند بود چرا که در ادامه سیاست نئولیبرالی آنها و حفظ منافع کاپیتالیستی ناچار برای مهار کارگران و مردم به سرعت به سرنیزه روی می آورند. همانطور که بنی صدر و دولتش با وجود اینکه بر موج توهم توده ای بر سرکار آمدند ناچار شدن در مقابل مطالبات مردم کردستان، دانشجویان، شوراها ی کارگری و ترکمنستان با گلوله پاسخ بدهند. اکنون که شرایط به مراتب متفاوت است و جهان کاپیتالیستی در بحرانی دهها بار وسیعتر و عمیقتر فرو رفته است، نئولیبرال ها ناچارند از همان ابتدا چکمه پوش وارد کابینه بشوند.

مرداد ۹۷

بقیه “بحران سیاسی و ...” از ص ۶

مبارزات چریکی گذشته بودند اما اکنون با وجود تمام کشتارها و سرکوب های جمهوری اسلامی در دوران طوفان انقلابی شوراها و دیگر تشکل های کارگری نه تنها وسیعا شکل خواهند گرفت بلکه با کیفیتی به مراتب بیشتر پا به عرصه ی میدان خواهند گذاشت.

در کنار ایجاد تشکل های توده ای کارگری که نزدیک به دو دهه است در دستور کار فعالین کارگری است کمک به ایجاد تشکل های محلات همانند کمیته ها و جمع هایی که قادر باشند اعتراضات خیابانی را هدایت کنند و از اعمال هژمونی انقلابی بیابند. این سنت کارگران سوسیالیست است که با سازماندهی در تظاهرات ها و تاثیر گذاری و هدایت آنها بر کمیت و کیفیت آن بیفزایند. سوسیالیست ها در ایران تجربیات زیادی در این رابطه دارند و شاید از هر جریان غیر کارگری بیشتر در فراز و نشیب های مبارزه خیابانی حضور داشته اند. سمت و سو دادن به این مبارزات و بردن شعارها و تاکتیک های مناسب به میان مردم تاثیرات بسزایی در سرنوشت سیاسی جامعه دارد. همانطور که در جنبش سال ۸۸ ابتدا با شعارهای رای مرا پس بده و یا حسین میر حسین مردم به خیابان آمدند و به مرور و با تلاش فعالین رادیکال و بیشتر شدن مطالبات مردم شعارها و مطالبات تغییر کرد در جنبش کنونی زمینه برای گذر از شعارهایی مثل رضا شاه روحت شاد و ... بیشتر فراهم

دشمنی با طبقه کارگر و توده ها از هیچ امکان و فرصتی دریغ نکرده اند. باید چه در بحث های نظری و چه در جریان مبارزات عملی نشان دهیم که لیبرال ها از هر طیف و قماش توانایی پاسخگویی به مطالبات کارگران و مردم را ندارند. سیاست نئولیبرالیستی در جهان هر روز عرصه را بر ما کارگران تنگتر می کند. خصوصی سازی و کاهش خدمات اجتماعی مختص جمهوری اسلامی نیست و سیاست بانک جهانی و صندوق بین المللی است که لیبرال ها شیفته ی آن هستند. دو قطبی شدن بیشتر جامعه در اقصا نقاط جهان اتفاق افتاده و فقر جهانی شده است حتی در پیشرفته ترین کشورهای صنعتی. باید نشان دهیم که بحران ساختاری است و نه مدیریتی. اگر جمهوری اسلامی فاسد است و بر عمق بحران افزوده اما ریشه اصلی در بحران ساختاری است که ریشه در منافع سرمایه داری جهانی دارد. فساد نیز تابعی از اوضاع بحرانی است که در کنار آن و به موازات آن رشد می کند. فساد حکومتی در

بقیه "خط مشی سوسیالیسم..." از ص ۱

وارد عرصه سیاسی میشود و با خواست "نان، کار، آزادی، حکومت کارگری" اکثریت مردم ایران را متحد می کند تا آزادی و رفاه مردم تضمین گردد.

سرنوشت کارگران و مردم ایران به مقابله این دو راه حل و دست بالا یافتن آلترناتیوهای هر يك از این دو گره خورده است. تقابل این دو راه حل، عرصه سیاسی ایران را قطبی می کند و درك مكان و اهمیت طبقاتی اختلاف این دو و سرنوشتی که هر یک برای مردم ایران رقم میزنند، حلقه اصلی فهم دینامیزم انقلاب ایران و آینده آن است.

کارکرد سرمایه داری ایران بر نیروی کار ارزان متکی است و چون قادر به تامین "نان" برای مردم ایران نیست لاجرم نیازمند رژیممی است که "آزادی" بیان، اعتصاب، تجمع و تشکل کارگران و زحمتکشان برای کسب "نان" را سرکوب کند. هیچ نظام جایگزین رژیم اسلامی که بر حفظ و دفاع از منافع صاحبان سرمایه و صنایع متکی باشد، چه نوع سلطنتی و چه جمهوری سکولار و انسانی قادر نیستند مطالبات اقتصادی کارگران و توده دهها میلیونی مردم زحمتکش را برآورده کنند و همگی ناچارند آزادی های سیاسی را نیز سرکوب کنند. به این اعتبار تمام ملل تحت ستم در ایران، جنبشهای زنان، دانشجویی که مطالباتشان در نظامی که "نان و کار و آزادی" را

تضمین کند، برآورده میشود، بطور عینی متحد جنبش کارگری در انقلاب علیه رژیم اسلامی هستند. استراتژی سوسیالیست های کارگری برای برپایی نظامی که آزادی و رفاه مردم ایران را تضمین کند، مبارزه برای اتحاد جنبشهای زنان، دانشجویی و رفع ستم ملی با جنبش طبقه کارگر حول "نان، کار، آزادی" بعنوان محور اتحاد و بسیج دهها میلیون مردم ایران برای انقلاب علیه رژیم حاکم و جایگزینی آن با "حکومت کارگری" است.

تحقق این استراتژی در گرو مبارزه برای رفع موانع ایجاد تشکلهای توده ای و حزبی طبقه کارگر برای ورود سراسری جنبش کارگری به عرصه مبارزات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. و همچنین در گرو مبارزه برای کنار زدن موانع اتحاد و ایجاد تشکل جنبشهای زنان، دانشجویی و رفع ستم ملی بمنظور تامین رهبری کارگری سوسیالیستی بر این جنبشها و ترغیب و تشویق آنها به اتحاد با جنبش کارگری است. وجود حزب سیاسی کارگران در این شرایط بحرانی بسیار ضروری است و می تواند نقش تعیین کننده ای در آینده سیاسی ایران داشته باشد. ایجاد این حزب، یعنی حزبی که در عمل بتواند مبارزات طبقه کارگر را هدایت کند، در همین پروسه متحقق میشود. در شرایط کنونی تنها با این استراتژی است که سوسیالیسم کارگران امکان می یابد به یک پدیده توده ای و اجتماعی تبدیل گردد.

برای پیاده کردن استراتژی سوسیالیسم کارگری تحلیل و بررسی دائمی جنبش های کارگری، زنان، دانشجویی و رفع ستم ملی ضروری است تا موانع تشکل و اتحاد آنها مشخص و کنار زده شود.

**جنبش کارگری - شکل گیری یک قطب قدرتمند لیبرالیسم در سیاست ایران با هدف جایگزینی جمهوری اسلامی با یک رژیم سرمایه داری سکولار، تاکید است بر این امر که هرنوع تغییرات عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به نفع مردم ایران نیازمند حضور متشکل طبقه کارگر در مرکز سیاست ایران است. به این اعتبار وظیفه محوری سوسیالیسم کارگری به میدان آوردن طبقه کارگر است و وجود گرایش قدرتمند سوسیالیست جنبش کارگری نقطه قوت این طبقه برای به میدان آوردن کارگران بعنوان یک نیروی مدعی قدرت در جدال بر سر نظام جانشین جمهوری اسلامی است.**

در چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی جنبش کارگری هیچگاه به اوضاع اقتصادی و سیاسی موجود تمکین نکرد و تسلیم نشد. اکنون نیز اعتراضات، تظاهرات و اعتصابات کارگری علیه کارفرماها و مقامات دولتی به روال عادی جامعه ایران تبدیل شده است. اما این اعتراضات کارگری متحد و یکپارچه نیست. محور سازمان یافتن مبارزات متحد و یکپارچه کارگری خواست واحد است. عمومی ترین خواست جنبش کارگری اضافه



بقیه «خط مشی سوسیالیسم...» از ص ۸

دستمزد است و سازماندهی اعتراضات و اعتصابات کارگری برای اضافه دستمزد پایه و اساس مبارزات متحد و یکپارچه جنبش کارگری است.

طبقه کارگر ایران فاقد تشکلهای توده ای سراسری است. ایجاد تشکلهای کارگری در محل کار و از این طریق پایه ریزی ایجاد تشکلهای کارگری در سطح شهر، منطقه و کشور عاجل ترین هدف جنبش کارگری است. تمام مبارزات کارگری دارای سازماندهی و رهبری است اما کارگران هنوز تناسب قوا بین خود و جمهوری اسلامی را در حدی نمی دانند که بتوانند همین رهبران فی الحال موجود اعتراضات و اعتصابات کارگری را در یک انتخابات بعنوان نمایندگان تشکل خود تعیین کنند. در همین راستا مبارزه متحد و یکپارچه برای اضافه دستمزد امکان عقب راندن رژیم اسلامی را فراهم می کند و با تغییر تناسب قوا شرایط را برای ایجاد تشکلهای کارگری مهیا میسازد.

جنبش کارگری دارای تشکلهای توده ای نظیر سندیکای واحد و سندیکای هفت تپه و همچنین تشکلهای فعالین کارگری نظیر کمیته هماهنگی است. تشکلهای علنی کارگری بمناسبت روز کارگر تا حدی که در جمهوری اسلامی مقدور بوده خواستههای عمومی خود را بیان کرده اند که نشانگر برخی از مشخصات جامعه مورد نظر کارگران

است، از جمله آزادی بی قید و شرط تشکل و اعتراض و اعتصاب، آزادی بیان، احزاب و مطبوعات، لغو مجازات اعدام، آزادی زندانیان سیاسی، الغای کار کودکان، امکانات آموزش و بهداشت یکسان و رایگان برای همه، تامین زندگی مرفه برای بازنشستگان، و لغو تمامی قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری آنها با مردان در تمام عرصه ها.

خیزش دیماه ۹۶ ایجاب میکند که جنبش کارگری از طرح این مطالبات فراتر رود و ضمن تکمیل این خواستها فعالیت برای سازماندهی نیروهای اجتماعی برای تحقق آنها را آغاز کند. این گام اولیه برای اتحاد جنبش کارگری با دیگر جنبشهای اجتماعی است. به ویژه اینکه در سالهای اخیر مطالبات اعتراضات معلمان و بازنشستگان با خواستههای جنبش کارگری منطبق شده و زمینه اتحاد بین آنها را نیز فراهم کرده است. در این راستا ادغام جنبش کارگری در جنبش جهانی کارگری و حمایتهای بین المللی ناشی از آن، همچنین وجود فعالین جنبش کارگری ایران که چهره های شناخته شده ای در جنبش کارگری جهانی هستند، از نقاط قدرت جنبش کارگری است.

**جنبش زنان** - بدون حضور گسترده زنان هیچ انقلابی پیروز نخواهد شد. زنان در تمام جوامع سرمایه داری از دو ستم جنسی و طبقاتی رنج می برند. در ایران اما،

این نظام طبقاتی با کمک اسلام ستم بر زنان را به نهایت رسانده و با خشونت از آن پاسداری میکند. بهبود جدی در وضعیت زنان به عمر جمهوری اسلامی گره خورده و لذا جنبش زنان ناگزیر از پیوستن به یک جنبش انقلابی برای سرنگونی رژیم حاکم است. بنابراین مسئله گرهی جنبش زنان انتخاب یکی از دو نیروی جایگزین با رژیم اسلامی است: جنبش زنان یا در کنار یک حرکت لیبرالی برای برپایی یک نظام سرمایه داری سکولار که ستم جنسی را تا حدی تعدیل می کند اما اساس آنرا در کنار ستم طبقاتی همچنان دست نخورده نگاه می دارد، قرار میگیرد و یا اینکه در کنار جنبش کارگری که جنبشی فقط مردانه نیست، برای جایگزینی نظام سیاسی مورد نظر طبقه کارگر مبارزه می کند که با تضمین آزادی و رفاه برای همه مردم ایران زنان را از تمام قید و بندهای نابرابری جنسی و طبقاتی رها میسازد.

در روز زن (هشتم مارس) امسال هر دو این جهت گیریها در اعتراضات زنان بخوبی نمایان بود. جریانهای متشکل از احزاب چپ و راست کوشیدند تا خواست زنان را به حجاب اجباری محدود کنند و حرکت دیگری که با فراخوان تظاهرات در مقابل وزارت کار علاوه بر لغو حجاب، خواستههای وسیعتر زنان در هر دو عرصه ستم جنسی و ستم طبقاتی را بیان کرد. گرایش سوسیالیست جنبش زنان و همچنین شاخه زنان جنبش

بقیه "خط مشی سوسیالیسم..." از ص ۹

کارگری در ایجاد تشکلهای رادیکال زنان که پیش شرط پیشروی کمی و کیفی جنبش زنان است و همچنین در تعیین سمت و سوی جنبش زنان نقش حیاتی دارند تا یک رهبری کارگری سوسیالیستی بر جنبش زنان تامین شود.

**جنبش دانشجویی - جنبش دانشجویی ایران تا قبل از حمله خونبار اوباش اسلامی به رهبری بنی صدر در اردیبهشت ۱۳۵۹ به دانشگاهها، اساسا چپگرا و همواره بخشی از جنبش آزادیخواهانه مردم ایران علیه دیکتاتوری و استبداد بود. انقلاب فرهنگی، بستن دانشگاهها و حذف دهها هزار دانشجو و استاد غیر حکومتی، چپ و سوسیالیست همه جناحها و باندهای رژیم اسلامی (خودی و غیر خودی) را در جلوگیری از پا گیری مجدد هر حرکت دانشجویی چپ نظیر دانشجویان سوسیالیست و دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب (داب) متحد کرد. به این اعتبار قوه قضائیه در محروم کردن دانشجویان چپ و سوسیالیست از تحصیل، در دستگیری و شکنجه و حبس های طولانی مدت آنها هرگز درنگ نکرده است. بسیج دانشجویی و دفتر تحکیم اگر چه با هم سر شاخ می شدند اما دست در دست هم هر صدای مخالف جمهوری اسلامی را در دانشگاهها خفه می کردند. اما با خیزش دیمه ۹۶ و پایان سیطره گفتمان اصلاح طلبی تشکل دانشجویی تحکیم وحدت نیز موقعیت سابق خود را از دست داده**

و میرود تا جنبش دانشجویی به جنبش انقلابی مردم ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی پیوندد. اکنون تشکلهای صنفی دانشجویی اگر چه یک دست نیستند می کوشند اعتراضات دانشجویی را سازماندهی و هدایت کنند. برای نظام جایگزین با جمهوری اسلامی اهمیت دارد که جنبش دانشجویی اساسا در کنار آلترناتیو لیبرالها که یک سرمایه داری سکولار است می ایستد یا در کنار آلترناتیو جنبش کارگری برای نابودی نظام سرمایه داری. هیچ یک از خواستههای جنبش دانشجویی از جمله در زمینه آزادی های سیاسی و اجتماعی، اداره دمکراتیک دانشگاهها و یا خواست آموزش همگانی و رایگان در نظام آلترناتیو لیبرالها که می کوشند تا در بهترین حالت دست اسلام را از زندگی سیاسی و اجتماعی مردم کوتاه کنند اما نظام طبقاتی فعلی را حفظ کنند، متحقق نمی شود.

آلترناتیو لیبرالی و جمهوری سکولار که احزاب متعدد آنرا عرضه می کنند بر یک اقتصاد نئولیبرالی متکی بر نیروی کار ارزان بنا میشود که در مرکز آن خصوصی سازی های وسیع است. از جمله تحویل آموزش و پرورش از ابتدایی تا دانشگاه به بخش خصوصی که نتیجه اش پولی کردن آموزش و محروم شدن فرزندان طبقه کارگر و زحمتکشان از تحصیل خواهد بود.

در تلاش برای جهتگیری جنبش دانشجویی علیه آلترناتیو لیبرالی،

سوسیالیستهای کارگری جنبش دانشجویی وظایف خطیری بعهده دارند. جنبش دانشجویی ایران تاریخا نقش مهمی در جدلهای نظری بین گرایشهای متفاوت سیاسی و طبقاتی جامعه داشته اند. در مقابله نظری با لیبرالیسم که اسلام و نه نظام سرمایه داری را عامل فقر و فلاکت و اختناق معرفی میکنند، فعالین دانشجویی سوسیالیست نقش اساسی دارند.

کمک به گسترش تشکلهای توده ای دانشجویی، کمک جنبش دانشجویی به ایجاد تحرک برای ساختن تشکلهای توده ای کارگری، سوق دادن جنبش دانشجویی به سوی اتحاد با جنبش کارگری از جمله تکالیف مهم سوسیالیستهای کارگری در جنبش دانشجویی است که در بهترین حالت از طریق تامین یک رهبری کارگری سوسیالیستی بر جنبش دانشجویی متحقق میشود.

**راه حل کارگری رفع ستم ملی در کردستان - تا قبل از پایان جنگ سرد جنبش مردم کردستان برای رفع ستم ملی در ایران و دیگر کشورهای منطقه متحد عینی جنبش کارگری علیه رژیمهای دیکتاتوری بود اما اکنون چنین نیست. هر دو حزب ناسیونالیسم کرد در عراق (حزب دمکرات و اتحادیه میهنی) خدمتگذار اهداف امپریالیستی آمریکا در عراق شدند. یک نظام سراپا فاسد بر پا کردند و سهم مردم کردستان عراق که**

بقیه "خط مشی سوسیالیسم..." از ص ۱۰

دیگر زیر ستم ملی نبودند شد فقر و فلاکت و بی حقوقی. پ.ک.ک در اسلامی شدن ترکیه متحد حزب عدالت و توسعه بود. اسلامی ها با کنار زدن جریان‌های لائیک و سکولار و تحکیم قدرت خود، پاداش پ.ک.ک را با حمله به مردم کردستان ترکیه دادند و رهبران احزاب کرد که حتی بعضاً نماینده مجلس بودند را دستگیر و به زندان انداختند. کردهای سوریه که در کوبانی در مقابل داعش قهرمانانه ایستادند، خود را در کنار و نیازمند کمک‌های تسلیحاتی، آموزشی و مالی آمریکا یافتند و امروز ثمره تمام چند سال مبارزات و جانفشانی‌های قهرمانانه اشان به تصمیم آمریکا در معامله با ترکیه، روسیه و سوریه گره خورده است.

با جلوگیری دولت اقلیم کرد عراق از هر نوع فعالیت نظامی احزاب در کردستان ایران و سپس با تغییرات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کردستان، راهکار ناسیونالیسم کرد که بر مبارزه نظامی پیشمرگان و مذاکره با دولت مرکزی متکی بود، کارایی خود را از دست داد. حزب دموکرات کردستان ایران چاره را در رابطه با آمریکا و قرار گرفتن در متن سیاست‌های آنها دید. بعداً سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران نیز به همین راه رفت و بقیه نیز، با انتخاب

ترامپ اینبار یک ائتلاف شش گانه نا امید از هر نوع مبارزه مردم ایران علیه رژیم اسلامی به حرکت آمریکا علیه جمهوری اسلامی در منطقه پیوستند.

در همه این سالها که هر نوع مبارزه نظامی در کردستان ایران پایان یافته تنها جنبش کارگری یک حرکت رو به جلو و پویا داشته است. جنبش کارگری کردستان ایران که زیر سایه مبارزه نظامی برای رفع ستم ملی محو شده بود با از دست رفتن مناطق آزاد و افت مبارزه مسلحانه به تحرک درآمد. در سنجند اتحادیه صنعتگر را ساخت. سه سال متوالی (۶۶ و ۶۷ و ۶۸) مراسم روز کارگر را با شکوه برگزار کرد. آدمکشان جمهوری اسلامی جمال چراغ ویسی سخنران روز کارگر سال ۶۸ را دستگیر کردند، شکنجه دادند و کشتند و جنبش کارگری کردستان دارای جانباخته شد و رو پای خود با سر افرازی ایستاد.

با روز کارگر سقز در سال ۸۳ حرکت مستقل کارگری در کردستان با جنبش کارگری سراسری در هم تنیده شد و فراتر از آن نقش تعیین کننده ای در ادغام جنبش کارگری ایران در جنبش کارگری جهانی ایفا کرد. جنبش کارگری کردستان که طی دو دهه از زیر سایه مبارزه نظامی برای رفع ستم ملی بیرون آمده بود، هنگامی که احزاب

کردستان ایران در سال ۹۲ ابتکار پ.ک.ک برای تشکیل کنگره ملی کرد را خروج از بن بست استراتژیک خود می دیدند با انتشار یک بیانیه با امضای پانزده نفر از فعالین جنبش کارگری راه حل کارگری رفع ستم ملی را ارائه داد. راه حلی متکی بر یک جنبش شهری که در مرکز آن جنبش کارگری است در اتحاد با همه جنبشهای اجتماعی دیگر در کردستان نظیر زنان و دانشجویی و با حمایت جنبش کارگری سراسری.

مردم ایران حکم به رفتن جمهوری اسلامی داده اند و اکنون مسئله نظام جایگزین مردم ایران را بر سر دو راهی قرار داده است: کوتاه کردن دست اسلام از زندگی، سیاسی و اجتماعی مردم ایران، بازسازی سرمایه داری ایران و راه تداوم نابرابری و بردگی مزدی تحت نام یک جمهوری سکولار و یا راه تغییرات بنیادی در اقتصاد و سیاست ایران، راه تضمین آزادی و رفاه برای مردم با "نان، کار، آزادی، حکومت کارگری".

سرنگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

نان، کار، آزادی، حکومت کارگری  
شورای مرکزی اتحاد سوسیالیستی  
کارگری

۲۰ خرداد ۹۷ - ۱۰ ژوئن ۲۰۱۸

**زنده باد انقلاب کارگری!**

بقیه "نان، کار، آزادی ... " از ص ۱

حاکمیت طبقه کارگر است که آزادی و برابری را برای همه مردم تضمین می کند و فشرده آن "نان کار آزادی حکومت کارگری" است. نان در این شعار بمعنای برابری در برخورداری از کلیه امکانات و ثروت های اجتماعی برای همه مردم است. بیکاری، بی مسکنی، فقر و نابرابری در ایران ناشی از بحران اقتصادی عمیق نظام سرمایه داری است و پایان دادن به آن تنها با نابودی این سیستم میسر است. طبقه کارگر با الغا مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و مبادله و برقراری مالکیت اشتراکی و کنترل اجتماعی بر آنها، نابرابری، فقر، بیکاری، بی مسکنی و آموزش و پرورش و سیستم بهداشت پولی را از میان بر می دارد و رفاه همگانی را به ارمغان می آورد.

آزادی مورد نظر جنبش کارگری از دموکراسی سیاسی مورد نظر اپوزیسیون لیبرال رژیم اسلامی بسیار فراتر است و بیان فشرده رهایی طبقه کارگر، مردم تحت ستم ملی، زنان و تمامی اقشار مورد اذیت و آزار نظام سرکوبگر طبقاتی و دینی حاکم است. هدف آزادی در این شعار رهایی کل مردم از چنگال قید و بندهای اسارت آور طبقاتی و مناسبات نهادهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و دینی نظام حاکم مدافع منافع صاحبان سرمایه و صنایع است.

حکومت کارگری در این شعار بیان ضرورت تصرف قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر بعنوان اولین گام برای دستیابی به اهداف عمومی همه سوسیالیستهاست. حکومت کارگری، حکومتی ایدئولوژیک

نیست. حزبی نیست، چه برسد به تک حزبی. پارلمانی نیست و بر ساختار شورایی استوار است.

شعار "نان کار آزادی حکومت کارگری" با زبانی ساده و قابل فهم برای وسیع ترین توده های کارگر، همان چکیده اهداف سوسیالیستی طبقه کارگر است که در مانیفست کمونیست بیان شده. این شعار دقیقا اهداف جنبش کارگری را در جدال با جریانات دیگر بر سر قدرت سیاسی نمایندگی می کند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری اسلامی  
زنده باد سوسیالیسم  
شورای مرکزی اتحاد سوسیالیستی کارگری

بیست و پنجم فوریه  
ششم اسفند ۱۳۹۶  
\*\*\*

## نو اندیشان دینی و نگرانی برای اسلام و بی آبرو شدن حجاب سنتی

### رضا مقدم

نبوده است تا اسلام را از زیر ضرب جنبش مردم خارج کنند.

اکنون هم عده ای نو اندیش دینی درباره حجاب اجباری بیانیه داده اند که نه خطاب به زنان و همدردی و همراهی با دختران خیابان انقلاب بلکه خطاب به حاکمان و نمایندگان خدا روی زمین است برای بی آبرو نشدن «حجاب» سنتی. مثلا: "قانون تحمیلی «حجاب» اجباری، نتیجه ای جز هزینه های گزاف مالی، بی اعتباری دینی و

جریانات اسلامی بعضا حاشیه حاکمیت هم کفش و کلاه کرده اند که "سلام عزیز" را نجات بدهند. خیلی هایشان مخالف حجاب اجباری شده اند چون سیاستی شکست خورده است و گرنه دلیلی نداشت علیه حجاب اجباری باشند! کما اینکه از ابتدای انقلاب تاکنون گفته اند که حجاب مسئله اصلی نیست. بعضی از اسلامی های مکلا به آیت اله های قم نشین درس مسلمانی و تاریخ اسلام می دهند که در عهد پیغمبرشان چنین

مبارزه "دختران خیابان انقلاب" تمام جریانات اسلامی را به تکاپو واداشته است. قوه فاسد و رسوای قضائیه که قانون، مقررات و مجازاتهای عهد جاهلانیه اش تماما بر فقه اسلامی بنا شده، نرگس حسینی را که با وجود تمام تهدیدها از به دار زدن حجاب اظهار پشیمانی نکرده را به سه اتهام "عدم رعایت حجاب شرعی" و "تظاهر به عمل حرام" و "تشویق به فساد متهم" کرده است.



بقیه «تواندیشان دینی...» از ص ۱۲

معنوی، ناکارآمدی سیاسی و سرمایه سوزی اجتماعی در چهار دهه اخیر به دنبال نداشته است." و یا "شیوه‌های غیراخلاقی و استبدادی ترویج دین و کاربرد زور در پوشش «قانون» نه تنها به باورهای دینی و پایه‌های اخلاقی جامعه ضربه‌های سهمگین و چه بسا جبران ناپذیری وارد آورده که «حجاب» سنتی را نیز بی‌آبرو کرده است." اینها درد زنانی که ۴۰ سال مورد اذیت و آزار اوباش حزب اله، بسیج و انواع گشتهای ارشاد و خواهران وحشی زینب قرار داشته‌اند، را ندارند. اینها درد دین دارند نه انسان.

خیزش دیمه ۹۶ نشانه عبور مردم از رژیم اسلامی و از جمله ۴۰ سال حاکمیت ویرانگر دین است تا هر نوع دینی را از زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود بیرون کنند. تا دیگر هیچ تصمیم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با استدلال دینی همراه نباشد و فقط بر منافع مردم اتکا کند.

در جنبش مردم ایران برای آزادی پوشش استدلال‌های دینی بی ارزش است. برای مردم معترض نماد اسلام، قوه فاسد و بی‌آبروی قضائیه است که ۲۹ نفر از دختران خیابان انقلاب را دستگیر کرده است.

ششم فوریه ۲۰۱۸

## حجاب بر دار!

ابزاری برای تحمیق توده‌ها بلکه ابزاری قوی در مهار جنبش زنان بوده و هست. اما صد سال مبارزه زنان در ایران و بخصوص در چهل سال حاکمیت جمهوری اسلامی با وجود تعرض همه جانبه رژیم جمهوری اسلامی به حقوق و هستی زنان، آنها مقاومتی جانانه انجام دادند و کشاکش بین مطالبات زنان و به قهقرا بردنشان بیشتر آنها را به میدان مبارزه کشاند. زنان کارگر و زحمتکش همواره یک بخش مهم و استوار در مبارزه با رژیم حاکم و حتی قبل از آن بوده‌اند. در انقلاب ۵۷ و پس از آن و در جنبش سال ۸۸ و اکنون در جنبش ۹۷ در تمام صحنه‌های مبارزه حضور داشته‌اند.

مطالبات زنان فقط به رفع حجاب اجباری خلاصه نمی‌شود و رژیم جمهوری اسلامی در تمام عرصه‌ها زنان را سرکوب و دچار بی‌حقوقی کرده است.

جنبش اعتراضی گسترده دی ماه هر چند از شدت آن کاسته شد اما به دلیل اینکه رژیم جمهوری اسلامی از پاسخگویی به مطالبات زنان و آزادی مستاصل است همچنان ادامه دارد. مطالبات اقتصادی گسترده کارگران و مردم به همراه خواست سرنگونی طلبی رژیم و رفع هر گونه استبداد به شکل‌های دیگر و در موجی دیگر ادامه دارد. یکی مشخصات بارز جنبش اعتراضی اخیر عبور از مذهب به مثابه ابزاری در دست طبقه سرمایه دار ایران و بخصوص رژیم جمهوری اسلامی برای تداوم حاکمیت است. رادیکالتر شدن مبارزات مردم با کنار گذاشتن شعارهای مذهبی خود را نشان داد. مذهب در ایران نه فقط به مثابه



بقیه "حجاب بردار! ..." از ص ۱۳

مبارزات رو به خاموشی برود. اشکال مختلف مبارزه مثل اعتصابات، تظاهرات خیابانی و اکنون برداشتن حجاب در خیابان و ... رژیم جمهوری اسلامی را تضعیف و صفوف توده ها را منسجمتر و قوی تر می کند. به موج دوم مبارزات توده ای و از آن جمله جنبش زنان پیوندیم. تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به شیوه انقلابی و توسط طبقه کارگر و به همراه همه ی جنبش های آزادیخواه و توده های زحمتکش مطالبات زنان به وسیعترین شکل ممکن برآورده خواهند شد.

### زنده باد جنبش انقلابی زنان! زنده باد سوسیالیسم! سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

کمیته اجرایی  
اتحاد سوسیالیستی کارگری  
بهمن ماه ۱۳۹۶ برابر با  
اول فوریه ۲۰۱۸

مبارزه آنها را در راه مبارزه برای حقوق برابر با مردان را در تمام عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و خانواده هموار می کند. جنبش زنان جدای از مبارزات کارگران، دانشجویان و دیگر مردم زحمتکش به خیابان آمده نیست و لذا ضروری است با تمام توان از آن حمایت شود. گستردگی این نوع اعتراض مستقل زنان اهمیت بسزایی دارد. به هر درجه که این حرکت گسترده تر و جمعی تر باشد تاثیر آن بیشتر خواهد بود. حجاب و اسلام یکی از ستون های پایدار نگهداشتن این حکومتند. اکنون ستون اسلام سیاسی آسیب های جدی دیده است باید تلاش کنیم تا فروپاشد. کارگران و مردم مبارز و آزادیخواه ایران!

جنبش زنان نیروی محرکه ی عظیمی است که متحد جنبش کارگری و جنبش عمومی مردم است. همراه شدن و حمایت از این جنبش اجازه نمی دهد که شعله

پس از انقلاب بهمن بخش وسیعی از زنان را خانه نشین کردند و فرصت های شغلی برای زنان کمتر و کمتر شد و نابرابری دستمزد افزایش یافت، حق سرپرستی فرزندان در شرایط جدایی از آنها سلب شد، حق طلاق را از زنان گرفتند و حق ارث و شهادت نابرابر و ... اما اکنون در موج جدید مبارزات مردمی نه تنها آنها همراه با کلیت مبارزات گام بر می دارند، بلکه با ابتکار به دار کشیدن حجاب قدرتمندتر و به شکل مستقل وارد میدان مبارزه شده اند. این جنبش بخشی از مبارزه ی کنار زدن مذهب در راه سرنگونی جمهوری اسلامی است. فعالیت های منفعل و زیر چتر رژیم جمهوری اسلامی (مثل کمپین یک میلیون امضا که به آیت الله ها و ... متصل میشد) رنگ باخته و شیوه ی انقلابی "حجاب بردار" زدن به راه افتاده است. مبارزه با حجاب اجباری بخشی از مبارزه برای آزادی پوشش است. پیروزی زنان در این

## وزارت کار و کارفرمای هفت تپه برای کارگران نماینده جمعی تعیین کردند

### رضا مقدم

موجود در شرکت هستند با صبر و بردباری و فضای آکنده از صمیمیت و پشتکاری در محیط کار خود، زمینه توسعه و رونق دوباره ی هفت تپه را بوجود آوریم. هرچند برای نیل به چنین هدفی، هم کارگر وهم کارفرما باید مشترکا بکوشند."

سندیکای نیشکر هفت تپه در آستانه ده سالگی است.  
بقیه در صفحه ۱۵

های گسترده با مدیریت و رئیس هیئت مدیره شرکت نیشکر هفت تپه" و با "حضور خانم محمودی بعنوان نماینده وزارت کار" به توافقاتی با کارفرما رسیده اند و افزوده که "ما (آقایان نیکوفرد، رخشان و نوروزی) از کارگران عزیز میخواهیم تا با اعتماد شایسته ی خود و بدون توجه به شایعات برخی عناصر که در پی برهم زدن آرامش

امشب، جمعه ۱۱ اسفند، در کانال تلگرام هفت تپه که توسط مدیریت این شرکت اداره می شود اطلاعیه ای منتشر شده با امضای نمایندگان جمعی کارگران (فریدون نیکوفر - رضا رخشان و منوچهر نوروزی) و شرح داده که "پس از پیگیری های بسیار زیاد و چانه زنی

بقیه "وزارت کار و کارفرما" از ص ۱۴

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و نمایندگان آن از ۱۳۸۷ تا کنون در معرض اخراج، احضار، تهدید، دستگیری و زندان بوده اند اما اجازه ندادند رژیم اسلامی و کارفرما برای آنها شورای اسلامی بسازد و یا نماینده تعیین کند. کارگران نیشکر هفت تپه طبعاً اکنون نیز اجازه نمی دهند کارفرما و وزارت کار برایشان نماینده تعیین کند.

ماههاست که کارگران هفت تپه فریب وعده های پوشالی کارفرما را نمی خورند و برای از جمله دریافت دستمزدهای معوقه بارها اعتصاب و اعتراض کرده اند. استقامت و پافشاری کارگران هفت تپه بر مطالباتشان در کنار اعتراضات کارگران هپکو در اراک و تظاهرات کارگران فولاد اهواز نمونه های شاخص اراده جنبش کارگری برای گرفتن حقشان از کارفرما و دولت است. کارفرمای هفت تپه که از رویارویی مستقیم با کارگران و سندیکای آنها عاجز شده و سرکوب مستقیم و از جمله اخراج و زندانی کردن علی نجاتی را بی نتیجه یافته از مدتها قبل در صدد بر آمد تا سندیکای کارگران را توسط تعدادی سست عنصر از درون تضعیف کند که یکی از آنها رضا رخشان است.

سالها قبل عده ای که باید از خود شرم کنند، کوشیدند رضا رخشان را علیه نمایندگان صدیق و وفادار به منافع کارگری بکار گیرند و در این راه از هیچ اقدامی فروگذار نکردند.

تبانای این دوره رضا رخشان با کارفرما و نماینده وزارت کار علیه کارگران و سندیکای هفت تپه، ادامه همان راهی است که این جریانات وی را برای آن پرورش دادند. چندی پیش رضا رخشان امضای سندیکای هفت تپه را جعل کرد و اطلاعیه ای با نام سندیکای خوشنام کارگران نیشکر هفت تپه منتشر کرد. عمل کوتاه بینانه این متقلب خیلی زود افشا شد و سندیکای هفت تپه عضویت وی در هیات مدیره سندیکا را به حالت تعلیق در آورد. پروژه دولت و کارفرما در ساختن سندیکای جعلی برای کارگران هفت تپه شکست خورد و حال از سر استیصال پروژه از پیش شکست خورده ساختن نمایندگان جعلی برای کارگران را کلید زده اند.

با اعتراضات مردم ایران در دیماه دوره نوینی آغاز شده است که یکی از طبعات آن در جنبش کارگری ایجاد تشکلهای مستقل از دولت و کارفرماست که نمایندگان صدیق و وفادار به کارگران در راس آن باشند تا بتوانند در این دوره بسیار خطیر ناکافی بودن دستمزدها و فقر و فلاکتی که گریبان دهها میلیون کارگر و خانواده هایشان را گرفته است، از منفعت کارگران در مقابل کارفرما و دولت تا پای جان دفاع کنند. پایان دوران شوراهای اسلامی که اساساً برای اخراج، دستگیری و تحویل فعالین کارگری به رژیم برای شکنجه و اعدام ایجاد شدند به معنای ادامه همان راه شوراهای اسلامی اما این بار بدون

"ریش و پیشانی پینه بسته" نیست.

جنبش کارگری ایران به مبارزات تا کنونی کارگران هفت تپه و سندیکایشان افتخار می کند. مبارزه جانانه کارگران هفت تپه طی بیش از یک سال، کارفرما و دولت را ناچار ساخته تا بعضی از خواستههای کارگران را بدهند. از جمله تحصن چند روزه کارگران نیشکر هفت تپه در مرداد امسال که به بازداشت ۱۴ تن از کارگران منجر شد. در دیماه امسال نیز بیش از ۲۰ تن از کارگران معترض دستگیر و پس از سپردن وثیقه یا کفالت به صورت موقت آزاد شدند. بعلاوه و به ویژه پس از اینکه علی نقدی با ۲۷ سال سابقه کار، صبح روز سه شنبه، (سه روز پیش) پس از مراجعه به امور اداری کارخانه و عدم پاسخ به خواسته هایش که خواسته همه کارگران نیشکر شکر هفت تپه بود به همکاریانش اظهار کرد که خسته شده و با انداختن خود به کانال آب مزارع نیشکر خودکشی کرد و جان باخت، کارفرما و دولت ناچار شده اند برای کنترل جو بر افروخته در نیشکر هفت تپه بعضی از خواستههای کوچک کارگران را بدهند.

آشکار است که هر موفقیت کارگران هفت تپه به تحکیم رابطه سندیکا و کارگران کمک می کند و این یک پیروزی طبقاتی است و می تواند دیگر بخشهای جنبش کارگری را به کنار زدن شوراهای اسلامی و

بقیه "وزارت کار و کارفرما" از ص ۱۵

ایجاد تشکلهای محل کار تشویق و ترغیب کند. به همین دلیل کارفرما و وزارت کار در نوع پذیرش این ناچاری یک هدف مهم و بلند مدت طبقاتی خود را دنبال می کنند و آن جلوگیری از تحکیم رابطه کارگران هفت تپه و سندیکایشان است.

هدف کارفرما و

دولت دادن این درس غلط به کارگران است که موافقت با بعضی از خواستهها نتیجه مبارزات، جاده بستن و اعتصاب کارگران تحت هدایت سندیکای هفت تپه نیست بلکه نتیجه "پیگیری های بسیار

زیاد و چانه زنی های گسترده با مدیریت و رئیس هیئت مدیره شرکت نیشکر هفت تپه" توسط سه نماینده جعلی است. کارفرما و دولت موافقت با بعضی از خواستههای کارگران را در گرو کنار زده شدن سندیکا و قبول نمایندگی جعلی این سه نفر قرار داده است تا به کارگران گوش زد کند که ایجاد تشکل و انتخاب نمایندگان وفادار به منافع کارگران و مبارزه کارساز نیست و موفقیت در قبول تعیین نمایندگان جعلی برای کارگران توسط کارفرما و دولت است.

کارگران هفت تپه همانند دهها میلیون کارگر و خانواده هایشان در شرایط دشوار جهانی هستند که رژیم اسلامی با دفاع از منافع صاحبان سرمایه و صنایع ایجاد کرده اند اما سندیکا فروش نیستند. کارگران هفت تپه در کنار سندیکایشان هرگز تسلیم شرایط

چه توهینی بزرگتر و بالاتر از اینکه نمایندگان جعلی دست در دست کارفرما و دولت بیندارند که می شود کارگران هفت تپه را خرید.

این سه نماینده جعلی بدانند موافقت کارفرما و وزارت کار با بخش کوچکی از خواست کارگران هفت

تپه نتیجه چانه

زنی آنها نیست بلکه فوریت آن حاصل جان باختن علی نقدی است که دیگر طاقت وعده های پوشالی کارفرما را نداشت و مرگ اندوه بارش یک جو ملتهب در میان کارگران ایجاد کرده است. هیات مدیره و صاحبان شرکت



(Citizen Journalist) تهیه از بهرگان ایران

نیشکر هفت تپه مسبب قتل علی نقدی هستند و برای فرار از آن و آرام کردن جو ملتهب در میان کارگران ناچار از تسلیم به بخشی از خواستههای کارگران شده اند. بهای جان زنده یاد علی نقدی را بجای "پیگیری های بسیار زیاد و چانه زنی های گسترده با مدیریت و رئیس هیئت مدیره شرکت نیشکر هفت تپه" نگذارید. از خودتان شرم نکنید چون لیاقت داشتن شرم را ندارید.

نشدند و برای بهبود اوضاع با سر افراشته مبارزه کرده اند و در کنار سندیکای واحد تنها کارگرانی هستند که با افتخار تشکل محل کارشان را نزدیک به ده سال پیش ایجاد کرده اند. کارفرما و دولت با این سه (فریدون نیکوفر، رضا رخشان و منوچهر نوروزی) نماینده جعلی راه بجایی نمی برند. بهترین خدمتی که این سه نفر می توانستند به کارفرما و وزارت کار بکنند این بود که کارگران شجاع هفت تپه و سندیکایشان را دست کم نگیرند و به آنها توهین نکنند.

## با فحاشی های رخشان فرهنگ مباحث جنبش کارگری آلوده نمیشود

### رضا مقدم

همکاری رخشان، نیکوفرد و نوروزی با وزارت کار و کارفرمای هفت تپه برای جلوگیری از اعتصاب کارگران در شنبه، ۱۲ اسفند ۹۶ شکست خورد. کارگران با اعتصاب خود نشان دادند که به این سه نفر و توافقتشان با کارفرما و وزارت کار اعتمادی ندارند. در پی این شکست، رضا رخشان فحاشی و تهمت به سوسیالیستهای جنبش کارگری را آغاز کرده که در راستا و ادامه همان همکاری با وزارت کار و کارفرمای هفت تپه علیه منافع جنبش کارگری است. مقابله با کارگران اعتصابی هفت تپه و آلوده کردن مباحث جنبش کارگری به فحاشی و افترا زنی دو روی یک سکه است و رضا رخشان در هر دو تبحر دارد.

ماجرای ۱۱ اسفند ۹۶ شروع شد. جمعه شب، ۱۱ اسفند، در کانال تلگرام هفت تپه که توسط مدیریت این شرکت اداره می شود اطلاعیه ای منتشر شد با امضای فریدون نیکوفرد، رضا رخشان و منوچهر نوروزی و شرح داده بود که "پس از پیگیری های بسیار زیاد و چانه زنی های گسترده با مدیریت و رئیس هیئت مدیره شرکت نیشکر هفت تپه" و با "حضور خانم محمودی بعنوان نماینده وزارت کار" به توافقاتی با کارفرما رسیده اند و اینکه "ما (آقایان نیکوفرد، رخشان و نوروزی) از کارگران عزیز میخواهیم تا با اعتماد شایسته ی خود و بدون توجه به شایعات برخی عناصر که

در پی بر هم زدن آرامش موجود در شرکت هستند با صبر و بردباری و فضایی آکنده از صمیمیت و پشتکاری در محیط کار خود، زمینه توسعه و رونق دوباره ی هفت تپه را بوجود آوریم. هرچند برای نیل به چنین هدفی، هم کارگر وهم کارفرما باید مشترکا بکوشند".

کارفرما و وزارت کار تلاش کردند تا با کمک این سه نفر مانع اعتصاب روز شنبه ۱۲ اسفند شوند. نگارنده این مطلب، همان شب (۱۱ اسفند) مطلبی با هدف کمک به خنثی کردن اقدام ضد کارگری این هیئت سه گانه (کارفرما، وزارت کار، و نیکوفرد، رخشان و نوروزی) نوشت. صبح روز شنبه (۱۲ اسفند) کارگران هفت تپه اعتصاب خود را آغاز کردند و برای کارفرما و وزارت کار روشن شد که این سه نفر خواستهای کارگران هفت تپه را نمایندگی نمی کنند. برای این سه نفر هم آشکار شد که تصورات واهی از موقعیت خود در میان کارگران دارند. فحاشی و افترا زنی رضا رخشان به فعالین سوسیالیست جنبش کارگری و مدافعین مبارزات کارگران هفت تپه برای تلافی شکست رسوا کننده همکاری آنها با کارفرما و وزارت کار برای مقابله با اعتصاب کارگران هفت تپه است.

سندیکا ی هفت تپه در سال ۱۳۸۷ ایجاد شد و نیکوفرد و رخشان هم به عضویت هیئت مدیره نه نفره سندیکا انتخاب شدند. در این ده سال سندیکا انتخابات نداشته تا

کارگران هیئت مدیره جدیدی انتخاب کنند اما کارگران هفت تپه در مبارزاتی که در این سالها داشته اند شناخت بسیاری از اعضای هیئت مدیره و همچنین فعالین کارگری هفت تپه که عضو هیئت مدیره نیستند، بدست آورده اند که نمونه شاخص آن اسماعیل بخشی است. با اتکا به این شناخت حتی خود رخشان و نیکوفرد هم مطمئن نیستند که اگر همین امروز انتخابات هیئت مدیره برگزار شود و یا کارگران بشکل تهیه طومار انتخابات برگزار کنند، این دو مجددا برای هیئت مدیره انتخاب شوند.

رضا رخشان برای محبوب شدن نزد کارفرما و وزارت کار به سوسیالیستهای جنبش کارگری فحاشی میکند و تهمت می زند. در این راستا وی حتی به تکه ای از نوشته ۵ سال قبل حمید قربانی متوسل شده است که در همان زمان در فیس بوک اتحاد سوسیالیستی کارگری با متن زیر تکذیب شده بود:

تکذیب، جهت اطلاع عموم

حمید قربانی در صفحه ۱۴ مطلبی به نام "امپریالیسم آمریکا و کمک های مالی بیدریغ و بدون چشم داشت" مسائلی را تحت عنوان "تا

جایی که اطلاع دارم - راوی - رضا مقدم"، به من نسبت داده است که صحیح نیست.



## زنان آمریکا و حداقل دستمزد

### پروانه وزیری

افزایش حداقل دستمزد زنان در سطح سراسری برای زنان خوب است اما مطلقاً کافی نیست. بعد از بحران اقتصادی در چند سال اخیر، درصد بیکاری برای مردان در سطح کارخانه ها و کارهای ساختمانی به شدت سیر صعودی داشته در صورتیکه برای زنان کارگر در رشته هایی نظیر پرستاری، خدمات اجتماعی، پارچه بافی و هتلها بیکاری افزایش یافته است.

سطح بیکاری زنان کارگر مثل دستمزد آنها نسبت به مردان پایین تر است. به همین دلیل افزایش حداقل دستمزد در هر ساعت از ۶،۵۵ دلار به ۷،۲۵ از هر زمان دیگر بهتر به نظر میرسد، مخصوصاً وقتی که درصد بیشتری از این زنان که با حداقل دستمزد کار میکنند از بچه ها نگه داری می کنند.

تثبیت و جا انداختن حداقل دستمزد برای زنان عامل بسیار موثری در برخی از مشاغل مانند سرایدارها، پرستارهای شخصی، مددیار مخصوص بچه ها، رستورانها، کارکنان دفتری جزء خواهد بود. مشاغلی که در واقع هم اکنون میلیون ها زن کارگر در آن مشغول به کارند.

نکته مهم این است که برای اقتصاد آمریکا که مصرف یکی از پایه های اصلی آن را تشکیل میدهد، بالا رفتن حداقل دستمزد محرک خوبی برای مصرف بیشتر ایجاد می کند. بالا رفتن حداقل دستمزد مستقیماً مربوط به کارگرانی است که آن را بلافاصله برای مصارف حیاتی مانند غذا، سوخت، کرایه خانه و پوشاک خرج می کنند. اقتصاددانان در بانک مرکزی شیکاگو نشان دادند که بالا رفتن حداقل دستمزد حتی به نسبت کم کردن مالیات مردم تحرک به مراتب بیشتری به افزایش مصرف خواهد داد. اضافه بر این مرکز قانون گذاری اقتصادی اعلام کرده که بالا رفتن حداقل دستمزد در ماه ژوئن توانسته تا ۵،۵ بلیون دلار به قدرت خرید و بالطبع مصرف آن تا سال آینده اضافه کند. بنابراین افزایش حداقل دستمزد کلید اصلی برای اقتصاد بیماری است که بار دیگر بتوان به آن تحرکی داد.

افزایش حداقل دستمزد البته فرصت مناسبی هم خواهد بود برای منتقدان آن تا ادعا کنند افزایش حداقل دستمزد میتواند بسیاری از مشاغل را نابود کند و بکوشند با لابی گری آن را متوقف بکنند و از این طریق ناکارایی سیاستهای اقتصادی خود را پنهان کنند. اما نکته اساسی که اقتصاددانان مدافع سرمایه داران پنهان می کنند این است که عامل اصلی در بحران اقتصادی کنونی مربوط به بازار مسکن و کاهش قدرت خرید جامعه در سطحی وسیع است.

در واقع، تجربه ۱۵ سال اخیر در ارتباط با بالا بردن حداقل دستمزد و تحقیقات دقیق این را ثابت کرده است که سرمایه داران سود بسیار قابل توجهی از قبل کار کارگرانی با پایین ترین دستمزد به دست میاورند. و شواهد حاکی از آن است که بالا بردن حداقل دستمزد کمترین تأثیری روی نابودی مشاغل ندارد. برای مثال در سال ۲۰۰۶ بیشتر از ۶۵۰ اقتصاددان که ۵ نفر آنان برنده جایزه نوبل بودند رای به بالا بردن حداقل دستمزد دادند. آنان فهمیده بودند که این کار بهبود قابل توجهی در زندگی کارگران کم درآمد خواهد گذاشت.

وانگهی، مخالفین افزایش حداقل دستمزد تماماً این را نادیده میگیرند که حتی حداقل دستمزد ۷،۲۵ دلار در ساعت برای کارگران تمام وقت ۱۴۵۰۰ دلار در سال خواهد شد، رقمی که به سختی برای تامین ابتدایی ترین نیازها در هر جای آمریکا کفایت خواهد کرد.

برای کارگران رستورانها، کارگرانی که در سالن های زیبایی ناخن پا تمیز می کنند و یا کارگرانی که به وسیله انعام امرار معاش میکنند، شرایط به مراتب وخیم تر است. برای این رشته ها که اغلب زنان در آن مشغول به کارند، حداقل دستمزد ساعتی کارگران ۲،۱۳ دلار است. البته در رشته مراقبت های خانگی از سالمندان، افرادی با ناتوانیهای جسمی و اشخاص بیمار که صنعتی رو به رشد است و



## انقلاب اکتبر و حقوق زنان در محل

### پروانه وزیری

انقلاب اکتبر روسیه ضربه سنگینی به پیکره سرمایه داری وارد ساخت و به جهان ثبات کرد که رهایی و حقوق زنان نه تنها با برقراری سوسیالیسم ممکن است بلکه پیشگام رفع کامل هر نوع تبعیض قومی، ملی و جنسیتی نیز خواهد بود. زنان، بویژه زنان کارگر در انقلاب نقش مهمی ایفا کردند که معمولا بوسیله مغرضین و مخالفین این انقلاب نا دیده گرفته میشود. طبق نوشته تروتسکی در سال ۱۹۱۷ در روز زنان کارگر در سنت پترزبورگ صدها نفر از زنان با پرتاب سنگ و گلوله های برفی به پنجره کارخانه مردان همکار خود را به خیابان کشاندند و به پاسگاه ها حمله و سربازان را خلع سلاح کردند، به آنها دستور دادند تا سلاح های خود را زمین گذارند و به آنان بپیوندند تا حکومت تزار سرنگون شد. پس از پیروزی انقلاب اکتبر زنان و کودکان از قوانین وحشیانه و نابرابر حکومت تزار آزاد شدند. قوانینی به اجرا گذاشته شد که تاکنون در هیچ کشور سرمایه داری به اجرا گذاشته نشده و اگر برخی از مفاد اجرا شده، آن قوانین نیز در این کشورها تحت تاثیر انقلاب شکوهمند کارگری بوده است.

به موجب مفاد قوانین کار:

هرگونه محدودیت مستقیم و یا نا مستقیم حقوق یا تبعیض در زمینه کار، که بنا به دلایل جنس، نژاد، ملیت یا عقاید مذهبی صورت گیرد، ممنوع شد.

به موجب قانون، کار در شب برای زنان باردار و مادران پرستار که فرزند کمتر از یکسال دارند و کار برای نو جوانان کمتر از هجده سال ممنوع اعلام شد.

به زنان باردار، با گواهی پزشک تا گذراندن دوره بارداری کارهای ساده تر واگذار میشود و حقوقشان معادل متوسط دستمزد آنها میگردد. پرستاران دارای فرزند و زنانی که بچه کمتر از یک سال دارند، اگر نتوانند به کارهای عادی خود ادامه دهند، به کارهای ساده تری فرستاده میشوند و تا زمانی که نوزادشان از شیر گرفته شود، یا تا زمانیکه که کودک به یکسال برسد، حقوقشان معادل متوسط دستمزد آنهاست.

زنان از پنجاه و شش روز قبل از زایمان تا شصت و پنج روز بعد از زایمان از مرخصی زایمان برخوردارند و در طی این مدت آنها از پرداخت فوق العاده ای که از جانب صندوق بیمه اجتماعی دولتی پرداخت میشود بهره مند میشدند و شغلشان در طول مرخصی محفوظ میماند.

یک زن علاوه بر بهرمندی از مرخصی قبل و بعد از زایمان، در صورت تقاضا میتواند تا زمانی که نوزاد به یک سالگی برسد از مرخصی بدون حقوق برخوردار شود. شغل هر زن در طول مدت مرخصی محفوظ خواهد ماند. مرخصی اضافی و بدون حقوق، همانند طول خدمت در یک تخصص، جزیی از تمامی مدت خدمت محسوب میشود و طول مدت مرخصی اضافی خدشه ای بر حق مرخصی های سالانه دیگر وارد نمی آورد.

هر زن میتواند بدون در نظر گرفتن سابقه کارش در واحد تولیدی، موسسه و یا سازمان مربوطه در صورت تقاضا، قبل از مرخصی پیش از زایمان یا بلافاصله بعد از مرخصی بعد از زایمان از مرخصی سالانه استفاده کند.

زنانی که کودکان کمتر از یکسال دارند، علاوه بر زمان صرف غذا و فواصل استراحت عادی هنگام کار، بمدت سی دقیقه و نه کمتر، در هر سه ساعت حق پرستاری از کودکان شان را دارند. مادرانی که دو و یا چند کودک کمتر از یکسال دارند طول مدت فاصله کمتر از یکساعت نخواهد بود.

چنین فواصلی که برای پرستاری از کودکان داده میشود جز زمان کار محسوب میشود، متوسط مزد مادر به او پرداخت می شود. و این فواصل از طریق توافق مدیریت با کمیته اتحاد کارگری کارخانه و یا اداره متناسب با درخواست مادر داده خواهد شد. بقیه در صفحه ۲۰

بقیه «انقلاب اکتبر و ...» از ص ۱۹

بیمه اجتماعی دولتی برای آن دوره حقوق فوق العاده دریافت می کنند. این زنان در صورتی که خودشان بخواهند، تا زمانی که نوزاد به یک سالگی برسد میتواند از یک مرخصی بدون استفاده از حقوق برخوردار شود.

در سال ۱۹۱۹ در اتحاد جماهیر شوروی زنان حق کنترل بر بدن خود را بدست آوردند و بهمین دلیل سقط جنین در این سال قانونی شد.

در ژوئیه ۱۹۱۸، نخستین قانون اساسی رژیم شوروی تصویب شد. شوروی نخستین کشوری بود که در جهان به زنان و مردان بدون شروط دارایی و آموزش، حق رأی برابر و برابری نهادینه شده به زنان را در همه عرصه ها داد. دانمارک (۱۹۱۵) و نروژ (۱۹۱۳) تنها کشورهای بودند که قبل از شوروی زنان حق رای بدست آوردند. سرانجام در سال ۱۹۱۸ بریتانیا حق رای زنان را نه برای همه بلکه برای زنانی که سن شان بالای ۳۰ سال بود به رسمیت شناخت. در حالی که مردان میتوانستند پس از ۲۰ سالگی در انتخابات شرکت کنند.

در سال ۱۹۲۲ زندگی همجنس گرایان متحول شد و جرم محسوب نمیشد. از تن فروشی جرم زدایی شد و آنها اجازه دسترسی به امکانات آموزشی و حمایتی پزشکی یافتند و دولت موظف به ایجاد کار برای آنان شد.

\*\*\*

زنانی را که بچه های از یک ساله تا هشت ساله دارند و معلولین (اعم از زن و مرد) را تنها با رضایت خودشان میتوان به کار اضافی گماشت، معلولین را به شرطی میتوان به کار گماشت که کار مورد نظر بنا به ملاحظات پزشکی ممنوع نشده باشند.

به کار گماشتن زنان در کارهای سخت، کارهایی که در شرایط ناسالم کار انجام میگردد و مشاغل زیرزمینی (کار غیر پیدی یا کارها که دارای خدمات بهداشتی و خدمات مربوط به زندگی باشند) ممنوع شد. صورت کارهای سخت در جاهایی که اشتغال زنان ممنوع شده را قانون معین میکند. حمل و نقل بارهای سنگین تر از میزان حداکثری که قانون تعیین کرده، بوسیله زنان ممنوع شد.

به کار گماشتن زنان برای انجام کار شبانه مجاز نیست، مگر در بخش هایی از اقتصاد که به چنین خدماتی نیاز خاصی باشد، یا جایی که به عنوان اقدامی موقت در نظر گرفته شود.

ممنوعیت کار شبانه و اضافه کاری و ماموریت های مسافرتی برای زنان آبهستن، پرستاران دارای فرزند و زنان دارای بچه های زیر یکسال. زنانی که نوزادانی را مستقیماً از یک زایشگاه به فرزند قبول میکنند از زمان پذیرش نوزاد تا انقضای مدت پنجاه و شش روز از زمان تولد نوزاد از یک دوره مرخصی برخوردار میشوند و در طی این دوره از محل

قانون، بی کار کردن زن حامله، پرستار دارای فرزند، یا کاستن از درآمد او را منع کرده است و مدیریت حق ندارد زن حامله، مادر پرستار یا مادری که کودک کمتر از یک سال دارد را اخراج کند مگر آن که، موسسه، واحد تولیدی یا سازمان بطور کامل تعطیل شده باشد. در این حالت، با اخراج موافقت میشود و پیدا کردن شغل دیگر برای فرد اجباری است.

مدیریت واحدهای تولیدی و دیگر سازمانها، در توافق با کارخانه یا کمیته اتحادیه کارگری اداره میتوانند، هر جا که لازم باشد، گواهی هایی صادر کنند که به موجب آنها زنان آبهستن بتوانند از استراحت گاه و آسایشگاه بطور رایگان یا با پرداخت پول بسیار کم استفاده کنند، و نیز از کمک مادی بهره مند شوند.

واحدها و سازمانهای تولیدی ای که در آنها از کار زنان استفاده میشود باید شیرخوارگاه و کودکستان، اتاق هایی برای پرستاری از بچه ها و اتاق هایی برای بهداشت شخصی زنان ایجاد کنند.

بر طبق قانون، کار اضافی برای زنان آبهستن و مادران پرستار، مانند زنانی که بچه های کمتر از یکسال دارند و کارگرانی که علاوه بر کار، در مدارس تعلیم و تربیت عمومی و مدارس حرفه ای روزانه مشغول تحصیل اند ممنوع شد.

## اعتصاب در صنعت حمل و نقل و گسترش بحران!

با افزایش شدید قیمت ارز و در واقع سقوط ارزش ریال بار دیگر تورم شدید و افزایش قیمت ها در چند ماه گذشته عرصه را بر کارگران و زحمتکشان تنگ تر کرد. اقتصاد بحران زده ی ایران از همه طرف زندگی مردم را به چالش کشیده و نه تنها چشم اندازی برای پایان بحران اقتصادی نیست بلکه هر روز بر ابعاد آن افزوده می شود.

طی دو دهه ی گذشته در راستای سیاست خصوصی سازی بخش زیادی از صنعت حمل و نقل خصوصی شد. در یک طرف شرکت های بزرگ حمل و نقل که مالکیت آن را سرمایه داران و حاکمان در دست دارند و در سوی دیگر طیف وسیعی از رانندگان زحمتکش که کامیون ها را به اقساط خریده و ناچارند قسط و بهره ی زیادی به کمپانی ها بپردازند. اکنون با افزایش تورم، بهای لوازم یدکی، لاستیک و ... به شدت افزایش یافته است و دولت که مستاصل از مهار تورم است و در واقع باعث و بانی آن می باشد تلاش دارد تا با سیاست سرنیزه اقتصاد را اداره کند. تعرفه ی تعیین شده توسط دولت جهت حمل و نقل کالا ها عملاً رانندگان را متضرر می کند. این زحمتکشان همانند بسیاری دیگر از مردم در جریان بحران های اقتصادی چند سال گذشته زیر پایشان خالی شده و وضعیت معیشتی آنها سیر نزولی طی می کند. اکنون بحران اقتصادی لایه های بیشتری از مردم را در بر گرفته و شرایط کنونی چیزی نیست جز منتقل کردن بار بحران به دوش کارگران و مردم.

در صنعت حمل و نقل طیف دیگری وجود دارند که فقط راننده هستند و کامیون دار نیستند و صرفاً از طریق رانندگی امرار معاش می کنند. آنها بیش از همه تحت فشار اقتصادی قرار دارند و در چنین شرایطی بیش از همه متضرر می شوند. رانندگان کامیون تنها از طریق متشکل شدن می توانند جمعی و سیستماتیک از منافع خود دفاع کنند. همانطور که رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه سال ها است که در سندیکا خود ساخته متشکل شده اند و می توانند از حق خود دفاع کنند. در کنار مطالبه ی افزایش تعرفه های حمل و نقل، مطالبه ی افزایش دستمزد رانندگان هم باید مطرح شود و شرط اتحاد رانندگان و کامیون داران گردد. خواست افزایش دستمزد پنج میلیون تومانی، مطالبه ی سراسری همه کارگران است و رانندگان کامیون نیز نباید از این قاعده مستثنی باشند.

صنعت حمل و نقل به عنوان صنعتی مهم در اقتصاد اکنون دچار بحران است و اعتصاب رانندگان و کامیون داران توانسته تا حدودی رژیم را به عقب نشینی وادار کند. اعتصابات و اعتراضات زحمتکشان و از آن جمله کامیون داران، از یک سو در اتحاد با تشکل ها و مطالبات کارگری و از سوی دیگر با سازماندهی و متشکل شدن موفق خواهد بود. با توجه به بحران شدید و فزاینده اقتصادی، اعتصابات و اعتراضات بیشتری در راه خواهد بود. با متشکل شدن و متحد شدن هر چه بیشتر می توان سرنوشت سیاسی جامعه را تغییر و در جهت منافع کارگران و زحمتکشان آن را سمت و سو داد.

**پیش به سوی اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان!**

نان کار آزادی

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

هفتم ژوئن ۲۰۱۸

**پیش بسوی ایجاد تشکلهای کارگری در محل کار**

## اول ماه می به سوی نان، صلح، آزادی!

ایران نقش تعیین کننده ایفا کنند، بیشتر می شود. جنبش زنان و جنبش دانشجویی و رفع ستم ملی جان تازه ای گرفته و با اتحاد با طبقه کارگر می توانند سرنوشت سیاسی جامعه را به نفع توده ها رقم بزنند.

در افغانستان حکومت فاسد باعث بیکاری وسیع در میان کارگران و مردم شده و هیچ راه حلی برای بهبود وضعیت اقتصادی ندارد. میلیون ها کارگر و جوانان جامعه راهی دیگر کشورها می شوند تا بتوانند مأمون امنی بیابند و گذران زندگی کنند. جنگ فرسایشی فقط به دلیل عدم توانایی حکومت فاسد نیست که ادامه دارد، بلکه شرایط اقتصادی و اجتماعی که حاکمان و حامیان شان باعث ایجاد آن هستند نیروهای ارتجاعی را بازتولید می کند. افراد مستاصل و نا آگاه راه حلی جز آواره گی و یا پیوستن به نیروهای ارتجاعی چون طالبان و ... را در چشم انداز نمی بینند. باعث همه این شرایط اسفناک وضعیتی است که حاکمان و نیروهای بغایت ارتجاعی ایجاد کرده اند. قدرت های امپریالیستی با بازوی نظامی ناتو سال ها است که در افغانستان لانه کرده اند و نتیجه ی حضور راهزنانه شان جز فقر گسترده، کشتار غیر نظامیان و هزینه های سرسام آور نظامی برای مردم افغانستان نبوده است. آنها تنها به دنبال اهداف

قرار گرفته است. جنگ در سوریه، عراق، یمن، افغانستان و ... در چند سال گذشته هزاران قربانی گرفته و لطمات جبران ناپذیری به مردم زده است. در بیشتر کشورهای که از مصیبت جنگ در امان مانده اند، دولت های سرمایه داری حاکم چنان فقر، محنت و شرایط سیاسی و اجتماعی ایجاد کرده اند که دست کمی از جنگ ندارد. ایران و ترکیه نمونه هایی از این دست هستند. بر افروختن جنگ ها به بهانه های مذهبی، ناسیونالیستی، قومی، حمایت از "دمکراسی"، حمایت از دولت های متحد و ... انجام می شود که هیچ نفعی برای کارگران و مردم ندارد و تنها باعث خانه خرابی و فلاکت بیشتر آنها می شود.

در ایران جنبش اعتراضی دی ماه ۹۶ با مطالبه ی نان و آزادی نشان داد که راه حل دیگری وجود دارد. کارگران و زحمتکشان دیگر نه توهمی به اصلاح طلبان حکومتی دارند و نه به بهانه ی اسلام حاضر به تمکین می شوند. آنها از هر دوی این موانع تاریخی عبور کرده اند و منفعت خود را دنبال می کنند. بحران چند لایه ساختاری و حکومتی معاش کارگران را چند مرتبه به زیر خط فقر رانده است. سوسیالیست ها و جناح چپ جنبش کارگری با وجود تمام سرکوب ها بیش از پیش صفوف خود را متشکل کرده اند و هر روز امید به اینکه در آینده سیاسی

بحران اقتصادی و فاصله عمیق طبقاتی مرزها را در نوردیده و دنیا را به ورطه ی نابودی کشانیده است. در قرن ۲۱ که رشد تکنولوژی، صنعت و ارتباطات حد و مرز نمی شناسد میلیاردها کارگر و مردم زحمتکش حتی از ابتدایی ترین امکانات نیز محرومند و برای گذران زنده گی با مشکلات جدی روبرو هستند. کاپیتالیسم گنبدیده گی و پوسیده گی خود را هیچ گاه تا این حد نشان نداده بود و بن-بست و بی-افقی این مناسبات و روابط بیشتر از قبل برای توده های وسیعی از مردم آشکار شده است. طولانی ترین بحران اقتصادی جهان که از سال ۲۰۰۸ شروع شد همچنان ادامه دارد و فشار بیکاری، نداری و فقر ناشی از بحران را به دوش طبقه کارگر گذاشته اند تا سرمایه های خود را حفظ کنند. در جریان بحران وسیع و طولانی اقتصادی قدرت های امپریالیستی و منطقه ای برای نجات با سیاست میلیتاریستی در تلاش برای کسب بازار جدید و یا حفظ آن و یا کسب موقعیت های برتر به جنگ های مستقیم و نیابتی روی آورده اند و میلیون ها نفر را کشتند و زخمی کردند و یا با خانه خرابی آنها را آواره و در معرض درد و رنج مضاعفی قرار داده اند. منفعت طلبی قدرت های سرمایه داری نه تنها حد و مرز نمی شناسد بلکه پایان ناپذیر است. خاور میانه در این بین بیش از همه در معرض جنگ و فجایع انسانی

بقیه "اول ماه می ... " از ص ۲۲

سیاسی و اقتصادی خود هستند و دردی از مردم دوا نمی کنند.

اکنون در افغانستان بیکاری و فقر بیداد می کند و قدرت حاکمه برای مهار خشم مردم، آنها را به اجتماعات قومی و مذهبی و ... تقسیم کرده و نمایندگان ارتجاعی را از این راه به میدان آورده اند تا هر چه بیشتر بتوانند منافع عمومی کارگران و مردم را پرده پوشی کنند. ما سوسیالیست ها بخش تفکیک ناپذیری از طبقه کارگر جهانی هستیم. ما انترناسیونالیست و طرفدار نان صلح و آزادی برای همه بدون در نظر داشتن ملیت، مذهب، نژاد، قومیت، جنسیت و ... هستیم؛ ما سوسیالیست های افغانستان و ایران همه کارگران جهان و بخصوص کارگران و مردم خاور میانه را به مبارزه برای کسب نان، صلح و آزادی دعوت می کنیم. کارگران افغانستان و ایران پیوندهای قوی و در هم تنیده ای دارند.

میلیون ها کارگر مهاجر متولد افغانستان اکنون سال های متمادی است که در ایران با خانواده های خود کار و زندگی می کنند و به همین اعتبار نه تنها از زاویه انترناسیونالیستی باهم هم سرنوشتند، بلکه با توجه به ویژگی های اجتماعی آنها بیش از همه می توانند در مقابل سرمایه داری متحدانه عمل کنند و ستم مضاعفی که بر کارگران افغانستانی در ایران می شود را کنار بزنند.

اول ماه می روز جهانی کارگر، کارگران در افسا نقاط جهان به میدان می آیند و سرمایه داری را به مبارزه می طلبند و منفعت و خواست های طبقاتی خودشان را دنبال می کنند. روز کارگر روز همبستگی و اتحاد جهانی برای پیشروی به سوی سوسیالیسم یعنی تامین نان و آزادی است. در روز جهانی کارگر، کارگران و سوسیالیست های افغانستان و ایران و به طور مشخص سازمان سوسیالیست های کارگری

افغانستان و اتحاد سوسیالیستی کارگری اتحاد و همبستگی خود را برای تامین نان، صلح و آزادی اعلام می کنند. روز جهانی کارگر در سراسر جهان هر روز جایگاه مهمتری در عرصه مبارزه طبقاتی می یابد و ما نیز به نوبه ی خود در تلاش برای برگزاری هر چه با شکوهتر آن هستیم.

زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر

زنده باد سوسیالیسم

زنده باد اول ماه می

نان صلح آزادی

سازمان سوسیالیست های

کارگری افغانستان

اتحاد سوسیالیستی کارگری

اردیبهشت / ثور ۱۹۹۷ ؛

اپریل ۲۰۱۸

بقیه "زنان امریکا و ... " از ص ۱۸

میلیونها زن کارگر در آن مشغول به کارند، حداقل دستمزد به هیچ عنوان تضمین شده نیست.

در ضمن، وقتی که ده ایالت افزایش حداقل دستمزد را بطور اتوماتیک معیار قرار دادند، دولت فدرال مانع این کار شد. نتیجه آن شد که سطح دستمزدها برای سالها ثابت

ماند. تا اینکه افزایش حداقل دستمزد در سال ۲۰۰۷، بعد از ۱۰ سال تثبیت شد. البته برای کارگرانی با دستمزدی کمتر از حد اقل دستمزد یعنی با ۲،۱۲ دلار در ساعت بعد از ۱۸ سال حداقل دستمزد تثبیت شد.

یکی از دلایل مهم اجبار زنان به کار با دستمزدهای پائین در سراسر

کشور، ثابت ماندن حداقل دستمزدهاست. حتی قبل از بحران اقتصادی، درآمد زنان کارگر خانواده های آنان را به سختی سر پا نگه میداشت. حالا، در ابتدای قرن ۲۱، با تفاوت شدید نرخ بالای بیکاری بین مردان نسبت به زنان، مسئله حداقل دستمزد معضلی است که دیگر نمیتوانیم آن را نادیده بگیریم.

\*\*\*

نان کار آزادی



اطلاعیه کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

بمناسبت روز کارگر ۹۷

## بسوی ارتباط و اتحاد جنبش کارگری با جنبش زنان. دانشجویی و رفع ستم ملی

اولین روز کارگر بعد از خیزش دیمه 96 بزودی فرا میرسد. موفقیت برگزاری هر نوع مراسم روز کارگر امسال از تجمع، تظاهرات، سمینار گرفته تا سخنرانی و انتشار بیانیه و قطعنامه در گرو دخیل کردن تاثیرات خیزش ۹۶ در روند رو به رشد جنبش کارگری است.

معیار ارزیابی روز کارگر در چهار دهه عمر رژیم اسلامی و با توجه به موقعیت جنبش کارگری و تناسب قوای آن با رژیم متفاوت بوده است. از برگزاری بزرگترین مراسم روزهای کارگر در سال ۵۸ تا مبارزه با شرکت اجباری در مراسم دولتی روز کارگر در دهه شصت؛ از زنده نگاه داشتن روز کارگر و برگزاری مراسم محدود و مخفی آن در محافل تا پخش شیرینی در روز کارگر بشکل محدود و در بعضی قسمتهای محیط کار؛ از برگزاری گلگشت در خارج شهرها تا برگزاری مراسم در داخل شهرها در دهه هشتاد و بطور مشخص در سال ۸۳ در سقز.

موفقیت روز کارگر امسال فراتر رفتن از سال گذشته در تمام زمینه ها و بطور مشخص در محتوای سخنرانی ها، بیانیه ها و قطعنامه های مراسم امسال است. جنبش کارگری مانند تمام جنبش های دیگر اجتماعی از خیزش دیمه ۹۶ وارد دوران جدیدی شده اند. اعتراضات و اعتصابات کارگری قبل و بعد از خیزش دیمه رو به گسترش بوده است. سال ۹۶ جنبش کارگری یکی از پر تحرک ترین سالهای مبارزات خود پس از کشتارهای سال شصت پشت سر گذاشت. بعبارت دیگر جنبش کارگری اعتراض و مبارزه کم نداشته و نیازش درک اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران بعد از دیمه 96، یعنی عبور مردم ایران از رژیم اسلامی است تا بتواند خواستههای سیاسی، اقتصادی، رفاهی طبقه کارگر اعلام کند، و همچنین با دفاع از مطالبات همه جنبشهای اجتماعی، محور اتحاد و بسیج جنبش زنان، دانشجویی و رفع ستم ملی گردد برای دستیابی مردم ایران به همه مطالبات سیاسی و اقتصادی که بخشی از آنها در خیزش دیمه 96 بیان شد.

پیروزی روز کارگر امسال در گرو فراخوان سراسری به کارگران برای ایجاد تشکلهای محل کار و فراخوان به جنبش کارگری برای اتحاد و مبارزه برای حداقل دستمزد ۵ میلیونی است. موفقیت روز کارگر امسال در گرو بیان کمبودهای جنبش کارگری و عزم جزم فعالین و تشکلهای کارگری برای رفع آن و پی ریزی سنگ بنای اتحاد و ایجاد تشکل های محل کار و سراسری کارگری است. روز کارگر امسال باید نشان دهد که جنبش کارگری پس از دیمه ۹۶ بکدام جهت باید برود و زمینه ارتباط و اتحاد با دیگر جنبشهای اجتماعی را حول مبارزه برای نان، کار، آزادی فراهم سازد.

زنده باد روز کارگر

سرنگون باد رژیم اسلامی

نان، کار، آزادی حکومت کارگری

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی جنبش کارگری

سوم اردیبهشت ۹۷ - ۲۳ آوریل ۲۰۱۸

## اطلاعیه پایانی کنفرانس چهاردهم اتحاد سوسیالیستی کارگری

کنفرانس چهاردهم اتحاد سوسیالیستی کارگری به مدت سه روز، ششم تا هشتم ژوئیه، همزمان در اروپا و کانادا برگزار گردید و منتخبی از مهمترین مباحث آن از تلویزیون "به پیش" پخش شد تا فعالین جناح چپ و سوسیالیست جنبش کارگری در جریان آن قرار بگیرند.

کنفرانس با یک دقیقه سکوت در بزرگداشت جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز شد و پس از پخش سرود انترناسیونال، آئین نامه کنفرانس تصویب شد و هیات رئیسه نیز تعیین گردید.

اولین دستور جلسه کنفرانس بررسی "مصافهای سوسیالیسم کارگری در شرایط کنونی" بود. هدف سه وجهی سوسیالیسم کارگری در شرایط کنونی مورد بحث قرار گرفت: الف- عروج یک سوسیالیسم عجین شده با جنبش کارگری در یک مقیاس سراسری و در دل تحولات تاریخی کنونی چگونه ای که نتوان تاریخ این دوره از مبارزات مردم علیه رژیم سرمایه داری را از جنبش سوسیالیسم کارگری جدا کرد. ب- تاکید بر لزوم حزب برای پیروزی طبقه کارگر و ایجاد حزب سوسیالیستی کارگران در دل مبارزات کنونی بر مبنای بیانیه "بسوی حزب". ج- تحقق استراتژی سوسیالیسم کارگری با شعار "نان کار آزادی حکومت کارگری" بر پایه سازماندهی یک جنبش طبقاتی سوسیالیستی حول "نان کار آزادی" بعنوان یک آلترناتیو اجتماعی و توده ای در مقابل آلترناتیوهای سلطنتی و جمهوری لیبرال سکولار. مقابله با آلترناتیوهای دیگر از طریق اتحاد و همکاری احزاب سوسیالیست میسر نیست و نیاز به سازماندهی یک جنبش میلیونی با محوریت جنبش کارگری و در اتحاد با جنبش زنان، جنبش دانشجویی و جنبش رفع ستم ملی دارد.

مبحث بعدی اوضاع سیاسی ایران بود که تحت عنوان "بحران آخر جمهوری اسلامی؟" ارائه شد. در این مباحث به موارد زیر تاکید شد:

- عبور جنبش مردم از اصلاح طلبان معنایی جز این ندارد که در تحولات آینده ایران قدرت در میان جناحهای درون جمهوری اسلامی دست به دست نمی شود بلکه کل نظام حاکم تغییر می کند.

- با انقلاب ایران نظام امنیتی منطقه از بین رفت و تمام مناقشات چهل سال گذشته و از جمله جنگ ایران و عراق و یا اشغال عراق توسط آمریکا نتوانست به یک نظام جدید امنیتی منطقه بیانجامد. اختلافات آمریکا و اروپا در مورد برجام ادامه اختلاف آنها از چند دهه قبل و بر سر تسلط بر اقتصاد ایران است. از نظر آمریکا موفقیت برجام در این بود که هم قدرت رژیم اسلامی را در منطقه مهار کند و کاهش دهد و هم پای کمپانی های آمریکایی را به بازار ایران باز کند که هیچ کدام روی نداد.

- با آغاز خیزش مردم علیه کل حاکمیت از دیماه ۹۶، خروج آمریکا از برجام و آغاز تحریمها اگر چه مطابق ادعای آمریکا هدفش تغییر رفتار رژیم است نه تغییر آن اما در عمل رژیم اسلامی را در مقابل دو راهی تسلیم یا سقوط قرار داده است.

- رژیم اسلامی برای حفظ حاکمیت خود مانند چهل سال گذشته از هیچ نوع جنایت و کشتار مردم روی گردان نیست و همچنین مانند برجام به هر نوع تسلیمی تن خواهد داد. هدف خامنه ای حفظ نظام بهر قیمتی است. تنها معیار انتخاب تسلیم یا مقاومت کمک آن به حفظ نظام است. بعلاوه مسئله، زمان مناسب تسلیم است. تسلیم دیر هنگام و زمانی که مردم به اندازه کافی پیشروی کرده باشند کمکی به حفظ حاکمیت رژیم اسلامی نمی کند.

- بنا به همه شواهد اوضاع بسیار خطرناک است و فعالین جناح چپ و سوسیالیست جنبش کارگری باید فعالیت های خود را با نیازهای این دوره هماهنگ و منطبق کنند تا کمبودهای متعدد جنبش کارگری از جمله ایجاد تشکلهای توده ای سریعتر پایان یابد و جنبش کارگری را برای مصاف بر سر آلترناتیوهای جاننشین رژیم اسلامی متحد و تجهیز کند.

سومین دستور جلسه کنفرانس گزارش عملکرد تشکیلاتی بود که از طرف کمیته اجرایی به کنفرانس ارائه شد. در این مبحث بر انتشار مرتب و سر موقع نشریه سازمان، بهبود کمی و کیفی برنامه های تلویزیون "به پیش"، و راههای تامین مالی هزینه های تلویزیون از جمله جمع آوری کمک مالی از دوست داران برنامه های تلویزیون "به پیش" تاکید شد.

آخرین دستور جلسه کنفرانس انتخابات بود و کنفرانس با انتخاب دبیر شورای مرکزی و اعضای کمیته اجرایی به کار خود پایان داد.

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

تیرماه ۱۳۹۷ - ژوئیه ۲۰۱۷

بقیه "زنان ازبکستان..." از ص ۲۷

در این روز در ازبکستان مردان به زنان گل هدیه می دهند و دولت نیز ۴۰ مانات هدیه به زنان پرداخت میکنند. در ترکمنستان زنان لیبرال در سطح جامعه مشکلات شان را، از جمله حضور مساوی در پارلمان و مشاغل کلیدی و تجاری مطرح میکنند. زنان لیبرال این کشورها بر این عقیده اند که در حال حاضر حضور بیشتر زنان روشنفکر در دولت موفقیت بزرگی برای زنان محسوب میشود. در قزاقستان و قیرقیزستان بیکاری زنان و استثمار بی حقوقی کودکان وضعیت غم انگیزی برای خانواده هایشان بوجود آورده است بطوریکه بیشتر آنان مجبور به مهاجرت بدون رعایت هیچگونه حقوق انسانی میشوند.

### وضعیت شاق کارگران مهاجر آسیای میانه و خانواده هایشان

اکثر کارگران مهاجر از اسناد قانونی بی بهره اند و بدون مجوز یا قرارداد کار میکنند و این شرایط ناگوار دسترسی آنان را از مراقبت درمانی و آموزش برای کودکان شان محروم میکند و در شرایط انسانی دشواری زندگی میکنند.

سازمانهای علیه تبعیض جنسیتی زنان و کار کودکان آسیای میانه در در تحقیقات شان نشان داده اند که در قیرقیزستان آنان مجبورند در محل های کثیف و پر جمعیت زندگی کنند و با دستمزد کم ناچار به تن فروشی میشوند. باید بی وقفه کار کنند و بندرت غذا دریافت کنند.

از آنجا که زنان ناگزیر از وابستگی به

پدر و مادر همسرشان هستند، بیشتر قربانی خشونت و استثمار می شوند. بسیاری از کودکانی که نزد اقوام، همسایگان و حتا به پرورشگاه اعزام میشوند، مورد تعدی و تجاوز روانی، جسمی و جنسی قرار میگیرند.

خواست استقلال ملی در این کشورها نه تنها هنوز منجر به بهبود وضعیت آنها نشده بلکه شرایط شان به لحاظ سیاسی- اقتصادی وخیم تر هم شده است.

نقش جمهوری اسلامی در ترویج ایده های ارتجاعی سبب شده که بسیاری خواهان یک اتحاد اسلامی شوند که این خود یکی از مؤلفه های نفوذ دولت اسلامی (داعش) در این کشورهاست. در حال حاضر پیوستن صدها نفر از تاجیکستان و ازبکستان و دیگر کشورهای آسیای میانه به داعش، دولت های این مناطق را بشدت دچار نگرانی کرده است. این دولت ها در تلاشند با وضع قوانین که تا کنون ناموفق بوده از گسترش داعش در منطقه جلوگیری کنند.

انجمن های زنان لیبرال، "احزاب چپ و سوسیالیست" بتدریج به فعالیت های پارلمانی روی آورده و به زائده ی سیاست های دولت حاکم تبدیل شده اند.

به گزارش رادیو تاجیکی به نقل از ایرنا، ۶۱ درصد قزاق ها، ۶۰ درصد قیرقیزها و ۵۱ درصد گرجی ها معتقدند که زندگی در اتحاد جماهیر شوروی با نظام کمونیستی، بهتر از وضعیت فعلی بوده است.

کمترین میزان علاقه به دوران کمونیستی مربوط به تاجیکستان با

۳۹ درصد و ازبکستان با ۴۰ درصد است. اما در گروه سنی ۱۸ تا ۳۴ سال که آن دوران را بخاطر ندارند نتیجه متفاوت است و اکثر آنان از جمله ۶۳ درصد جوانان در مقابل وضعیت موجود بی تفاوت هستند.

متأسفانه نا آگاهی زنان این کشورها به قوانین موجود و فقدان تشکل های مستقل و پیشرو زنان و نیز فقدان تشکل های مستقل کارگری و سوسیالیست که بتواند با نقد بر گذشته، با طرح خواستها و مطالبات جدید مبتنی بر ایده های واقعی سوسیالیستی کارگران را سازماندهی و متشکل نمایند در این کشورها بوضوح مشاهده میشود.

امروز در مقابل بحران سرمایه داری که ورشکستگی شیوه تولید سرمایه را به نمایش می گذارد بار دیگر سوسیالیسم به مساله کلیدی برای این جوامع و کل بشریت تبدیل شده است و زنان نیز مانند جنبش های دیگر راهی بجز پیوستن به جنبش کارگری سوسیالیستی را ندارند. پیروزی زنان بدون اتحاد با تشکل های کارگری غیرممکن است.

۲۱ مارس ۲۰۱۸

منابع:

انجمن زنان آسیای میانه علیه تبعیض جنسیتی  
انجمن حقوق جهانی بشر  
کمپین پنبه ائتلاف جهانی حقوق بشر  
رادیو دویچه وله: عقیم کردن زنان ازبکستان

<https://www.hrw.org/n>

\*\*\*

# زننده باد جنبش انقلابی زنان!

بقیه "زنان ازبکستان ... " از ص آخر

محروم میکند و دولت میکوشد با این روش غیر انسانی با رشد سریع جمعیت مقابله کند. موضوع عقیم کردن اجباری زنان در ازبکستان برای اولین بار در سال ۲۰۰۵ مورد بحث قرار گرفت. بسیاری از زنان بویژه زنان روستایی متوجه شده اند که پس از فرزند دوم دیگر حامله نمیشوند.

یک سازمان غیر دولتی در تاشکند گفته است که بررسی هایی که انجام شده نشان میدهد که در هفت ماه اول سال ۲۰۱۰ حدود هشتاد هزار زن بدون موافقت و اطلاع خودشان عقیم شده بودند. با این حال تاکید میکنند که این آمارها دقیق نیستند و امکان دارد زنان بیشتری قربانی این سیاست جنایت آمیز شده باشند. برخی زنان به خبرنگار بی بی سی گفته اند که شوهران شان به خاطر نازایی از آنان جدا شده اند.

یک سال پس از استقلال ازبکستان از شوروی، بر اساس قانون اساسی سال ۱۹۹۲ جمهوری ازبکستان، همه شهروندان این کشور صرف نظر از جنس، نژاد، قومیت، زبان، مذهب، زمینه های اجتماعی و یا وضعیت اجتماعی دارای وضعیت حقوقی یکسانی هستند و بر اساس این قانون هرگونه تبعیض علیه زنان ممنوع است و زنان از آزادی کامل برخوردارند. با این حال با تمام ادعاهای قانونی و ظاهری دولت، وضعیت زنان روز به روز وخیم تر شده است.

کار اجباری در مزارع پنبه ازبکستان

از سال ۲۰۱۱ ازبکستان هفتمین

تولید کننده بزرگ و پنجمین صادر کننده بزرگ پنبه است. به گزارش (نشریه واشنگتن دی سی) در اکتبر سال ۲۰۱۷ عبدالله آریپوف، نخست وزیر دستور داد تا دانشجویان و بعضی از کارکنان بهداشت و آموزش و پرورش با کار اجباری در مزرعه های کار پنبه محصول را برداشت کنند. این کار اجباری زیر تهدید دولت و فشار کارفرما است و در صورتی که کار را رها کنند متهم به جرایم سنگین، محرومیت از تحصیل، شغل و از دست دادن مزایا و پرداخت نشدن مزد آنان نیز میشود.

به کودکان ۱۳ و ۱۴ ساله دستور دادند که پس از مدرسه برای کار اجباری به مزارع پنبه مراجعه کنند. زنان و دختران نو جوان نیز از برده داری مدرن ازبکستان مستثنی نیستند و بچه های زنان کارگر در کنار مزارع زیر آفتاب و بدون حفاظت گذاشته میشوند تا ساعت کاری مادران تمام شود. قطع مزایای کودک و سایر پرداخت های رفاهی به خانواده شان تنها یکی از مجازاتهایی است که دولت سرکوبگر به کار گرفته است.

با دخالتی که از سوی فعالان کمپین علیه کار اجباری در روز ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۷ انجام گرفت و با کمک متحدان و فشارهای بین المللی، و بازدید سازمان جهانی کار و سایر سهامداران پنبه و دیدار با بانک جهانی، بحث کار اجباری دوباره توسط، جیم یونگ مطرح شد و هانس فون روهلند سخنگوی "UNWTO" اظهار امیدواری کرد که در نهایت دولت ازبکستان اقداماتی را برای پایان دادن به کار کودکان انجام دهد. اما وی و بسیاری از کارشناسان مشکوک به همکاری

مقامات دولتی و رهبران تجاری ازبکستان برای پنهان کردن نقض کنوانسیون های بین المللی علیه کار اجباری توسط ازبکستان هستند.

اما هنوز بهره کشی برده وار دولت ادامه دارد. چنانچه نایت هرمان معاون ارشد بخش زنجیره تولید، برای پوشاک و کفش آمریکایی، در حمایت از دولت ازبکستان با رضایت میگوید: "ما از دولت ازبک به خاطر اینکه حدود یک میلیون نفر از شهروندان ازبک را به مزارع کار میفرستد، ستایش میکنیم."

زنان کارگر چون تخصص کاری ندارند، به سختی میتوانند نیروی کارشان را به فروش برسانند. وحشت از بیکاری و گرسنه ماندن فرزندان آنان را مجبور به تن دادن به کارهایی با دستمزد پایین میکند. در برخی استانها برای جمع آوری پنبه کار حتی برای زنان سالمند، معلولین و کودکان بسیار کوچک اجباری است در غیر اینصورت این بخش ها از مزایای خود محروم میشوند. این برداشت یک ماه و نیم طول میکشد اما دولت هیچ شرایط ایمنی و عادی زندگی را برای کارگران کشاورز ارایه نمیدهد. در نتیجه طبق قوانین کار سرمایه استخدام مردان در درجه اول قرار دارند.

نگاهی به وضعیت زنان آسیای میانه پس از فروپاشی شوروی

دو دهه پس از استقلال منطقه، زنان این کشورها با مشکلاتی نظیر زنان ازبکستان همچون، "قاچاق زنان" و "چند همسری" مواجه اند. هشتم مارس، روز جهانی زن هنوز بعنوان یک سنت ماندگار از دوران انقلاب اکتبر برگزار میشود و

## وضعیت کنونی زنان ازبکستان

### پروانه وزیری

یکی از مؤلفه های مهم آزادی و برابری در هر کشوری، آزادی و برابری زنان با مردان در همه زمینه هاست که تا کنون بجز در کشور اتحاد جماهیر شوروی چنین قوانینی وضع و به اجرا در نیامده است. این پیروزی چالشی بود بر علیه قوانین پدرسالار و مردسالار سیستم سرمایه داری. این دشمنان قسم خورده قوانین پیشرو برای جلوگیری از وقوع دوباره انقلاب، دست به تقویت مذهب و صنعت تن فروشی می زنند، کار کودکان را رواج می دهند و علیه بلشویکها و مبارزات شان از طریق رسانه های گروهی فیلم میسازند. اما ببینیم پس از آن که نتولیرالیسم توانست بر جهان حکومت کند، وضعیت زنان کشورهای آسیای میانه جدا شده از شوروی بویژه وضعیت زنان ازبکستان چگونه است.

ازبکستان بعد از بیش از دو دهه از استقلال خود بر روی کاغذ میکوشد تا با افزایش نقش اجتماعی زنان در جامعه "سکولار خود" به سمت توسعه قدم بگذارد. در ازبکستان با آنکه زنان و مردان قانونا برابرند اما در عمل زنان از تبعیض های متعددی رنج میبرند.

زنان بخصوص زنان جوان روستایی با مشکلاتی چون قاچاق انسان و چند همسری مواجه اند که پس از استقلال در جمهوری های این منطقه رشد کرده است. برده داری مدرن که سودآوری کلانی برای حامیان سرمایه است به ظاهر با فحشاء مخالف

است اما مافیای این کشور دستش برای صدور این دختران ۱۳ و ۱۴ ساله، به ترکیه و ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس باز است. فقر و اوضاع مالی نامناسب خانواده ها این دختران را که در برای زندگی بهتر در پی مهاجرت و یافتن کار هستند، گرفتار مافیای تن فروشان می کند. بیشتر آنان آگاهی بسیار اندکی از قوانین و حقوق خود دارند و بهمین علت در معرض انواع تبعیضات و خشونت های مختلف قرار میگیرند که دولت سرمایه ناتوانی خود را در حل و رسیدگی به مساله زنان را به اثبات رسانده است.

ازبکستان کمی بیش از ۳۱ میلیون نفر جمعیت دارد که ۸۸ درصد از جمعیت آنرا مسلمانان شیعه و ۹ درصد مسیحی هستند. یکی از مشکلاتی که زنان در سالهای اخیر با آن مواجه هستند، رواج چند همسری است. عده ای در تلاشند تا با تصویب لایحه ای در مجلس آنرا قانونی کنند و البته گروهی از نمایندگان زن نیز مخالف قانونی شدن چند همسری هستند. البته در قوانین اسارت بار علیه زنان و فرهنگ ضد زن، نباید نقش جمهوری اسلامی را فراموش کرد. حاکمان جمهوری اسلامی ایران با برگزاری همایشهایی تحت عنوان پژوهشهای اسلامی بر جایگاه نابرابر زنان در اسلام و تحکیم بنیادی "نقدس" خانواده و نقش زنان در تمکین به شوهران و پرورش فرزندان، نقش مهمی دارند. اما هم اکنون چند همسری بصورت غیر قانونی رواج دارد و برخی از دولتمردان نیز خود دو و یا سه همسر دارند. به گزارش فعالان

حقوق بشری زنان: «فرزندان اینگونه ازدواج ها با مشکلات جدی هویتی و حقوقی مواجه میشوند و از آنجا که چند همسری هنوز قانونی نشده، ذکر نام پدر در اوراق هویت کودک به معنای ارتکاب جرم است. این مسئله در تمام کشورهای آسیای میانه نیز رواج دارد.

### عقیم سازی زنان حتی بدون اطلاع آنها

بر طبق گفته تعدادی از پزشکان ازبک، وزارت بهداشتی این کشور به آنها دستور داده است تا هر ماهه طبق "سهمیه" تعیین شده، تعداد معینی زن را عقیم کنند که بیشتر شامل زنان فقیر و روستایی میشود. سترون کردن زنان ازبک بدون خواست و حق تصمیم گیری بر تن خویش و داشتن فرزند

بقیه در صفحه ۲۷

### تلویزیون به پیش! در ماهواره یاست

ماهواره: یاست

ترانسپندر: ۹۰

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

زمان: سه شنبه ها ساعت ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ شب به وقت ایران

باز پخش: چهارشنبه ها ساعت

۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ صبح